

کتابخانه ملی ایران
Iranische Nationalbibliothek in Hannover

17. März 99

بهار ایران

سال چهارم - شماره ۱۵ زمستان ۱۳۷۷



با آرزوی فرا رسیدن بهاران
خجسته ایران زمین و پایان فصل
ظلمت و سردی استبداد به استقبال بهار
مح رویم و هم سویا هموطنانمان در
داخل کشور و در دیگر تقاطع جهان،
جشن‌های سال نورا گرامی داشته و
امیدواریم شادی نوروزی باشادی
آزادی میهنمان قوام گردد.

بهار ایران

کانون پناهندگان ایرانی - هلند

سال چهارم - شماره ۱۵ زمستان ۱۳۷۷

فهرست مطالب و همکاران این شماره:

۱	گرامیداشت بیست و دوم بهمن و نوروز باستانی	بهار ایران
۲	گزیده هایی از اخبار و گزارشها	
۳	مردودیت آزمون مشارکت مدنی! حاتم رژیم	م.ح. پیوند
۴	پولکهای طلایی (دادستان)	شکوری، از تهران
۵	انسان موجودی است اجتماعی	افسانه پروین
۶	قتلهای اخیر تهران و سردمداران رژیم سرکوبگر!	عباس - سر
۷	از تاریخ بیاموزیم	خلاصه بردازی
۸	خاطرات	افق
۹	نمایش نتکین نظام نوین ارتقائی امپریالیسم	م.ح. پیوند
۱۰	توطنه ریودن عبدالله او جالان را محکوم می کنیم.	جمعی از پناهندگان سیاسی آلمان و هلند
۱۱	گزیدهایی از تقویم تاریخ	
۱۲	گاندی به زبان هلندی	سارا
۱۳	داخل جلد	

۱- بهار ایران نظرات و دیدگاههای مختلف را در چهارچوب سالم سازی برخورد آراء و عقاید و ارتقاء فرهنگ دموکراتیک بین افراد و نیروهای درج می نماید.

۲- از درج مطالبی که در ترویج فرهنگ استبدادی و وابسته و بطور مخصوص مطالبی که در حمایت از رژیم حاکم بر میهن و نظام سلطنتی باشد، خودداری می کنیم.

۳- مسئولیت هر مطلب به عهده نویسنده آن می باشد و چاپ مقالات و مطالب به معنی تایید (یا رد) نظرات و دیدگاه های مطرح شده در آنها نیست.

گرامی باد هشتم مارس (هفدهم اسفند)

روز همبستگی بین المللی زنان

گرامیک اشت پیست و دوم پیمن

۹

نوروز باستانی

سرنگونیشان به فال نیک گرفته و با نگاهی گذرا نسبت به آن نوروز باستانی را گرامی می‌داریم. همینطور ضمن همروزی با هموطنانان در داخل که علاوه بر خلقان، به دلیل بی لیاقتی رژیم در این ایام با مشکلات کمرشکن اقتصادی نیز مواجهند، برای همگان آرزوی سالی همراه با تحول بنیادین را آرزو می‌کنیم.

حاکمیت در ایران اکنون در وضعیت تازه‌ای نسبت به سایر ایام حیاتش بسیار می‌برد. او مجبور شده سرکلاف اعترافات را باز کند و مهره‌های بالای نظامش را به عنوان عوامل تورهای معرفی نماید. بدین ترتیب همه گفته‌های مخالفان رسمای اثبات می‌رسد که همواره مقامات اصلی رژیم را عامل طراحی و اجرای آدم ربایی‌ها و قتل‌های مخالفان در داخل و خارج ایران می‌دانسته‌اند.

این گونه اعترافات عقب نشینی‌های معمول یک نظام ضد مردمی است که در زمان اوج خشم و تنفر مردم به آن دست می‌زند، و معمولاً بعد از این عقب نشینی، شمارش معکوس برای او آغاز می‌گردد. حکام ایران از این روش به خیال خود به عنوان وسیله‌ای برای جلوگیری از نابودی خود استفاده کرده و می‌کنند. در واقع رژیم اعترافات خود را در سال‌های پایانی حیات خمینی و اولین دوره ریاست جمهوری رفسنجانی شروع نمود. در آن زمان نیز که ابعاد عظیم نفرت مردم نسبت به حکمیت به عیان باز شده بود، رژیم با قول مدره‌شن حکومت به واپس گرایی خویش اعتراف نمود. اما مردم از همان اول با ناباوری به آن دست می‌دادند و مدت بسیار کوتاهی بعد از آن نیز واقعیات رسمی کم و کیف اهداف رژیم را از طرح شعارهای آنچنانی بر ملا نمود و حریه و بیانه را از دست مصلحت اندیشانی که سعی داشتند او را تطییر کنند، گرفت. البته خود رفسنجانی ادعای سازندگی را تا آخر دو دوره ریاست جمهوری اش همواره، و با وجود به بار آوردن نضاحت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آشکار، همچنان مطرح می‌نمود. نتیجه آن عقب نشینی گرچه به نابودی رژیم منجر نگردید ولی تعمیق کینه و نفرت روز افزون مردم را به دنبال داشت که زمینه را برای شرایط بعدی فراهم نمود.

ظاهر هستی، مانند تغییر فصل‌ها، آمدن شب و روز و غیره، واقعیاتی هستند که مستقل از برداشت‌ها و گرایشات افراد و گروه‌های اجتماعی عمل می‌کنند و از این رو موضوع و وسیله ارتباط دانش بشر بوده و می‌باشد. آداب و رسوم و اخلاقیاتی نیز که طی نسل‌ها در میان مردم پذیرفته شده و به حیات خود ادامه داده‌اند، سنتی مشابه با جلوه‌های عام طبیعت پیدا کرده و بعضاً از همان مظاهر نشات می‌گیرند. که این‌ها در نهایت انسان را قادر ساخته تا مبانی آموزنده را از دل واقعیات هستی استخراج نماید و به کمک آن درک علمی اش از حقایق را تحقیق بخشد، وضوابط و قوانین برای همکاری‌های اجتماعی و زندگی توأم با آرآش برای عسوم مردم تنظیم نماید.

جشن تحویل سال در نوروز که ایرانیان از دیرباز آنرا هم‌مان با یکی از زیبا ترین تحولات طبیعت برگزار می‌کنند، از جلوه‌ای شکوهمند برخوردار است و همه گرایشات اجتماعی، ملی و سیاسی فارغ از همه اختلافات به آن ارج می‌نهند.

حکومت‌های دیکتاتور و سرکوبگر در ایران سال‌های است مانع از آن شده‌اند که جشن نوروز در مملکت ما به خوبی و آنچنان که لازم است، برگزار گردد و خوشی و آرامش را برای عموم مردم به ارمغان آورده. رژیم کنونی به دلیل ماهیت واپس گرایانه اش و به خاطر آنکه تنها از طریق ایجاد رعب و وحشت می‌خواهد به حیات خود ادامه دهد، تاب تحمل شادی و خوشحالی مردم را ندارد. قبل از آن نیز رژیم وابسته سلطنتی همیشه جشن‌های ملی را وسیله‌ای تبلیغاتی برای تبعیض در جامعه و در میان ملت‌های گوناگون به کار می‌گرفت و نهایتاً از آنها در جهت پیشبرد اهداف سرکوب گرانه اش استفاده می‌نمود. با وجود همه اینها مردم ما همواره سعی کرده اند با برگزاری جشن‌های نوروز به روش‌های سنتی و باستانی خود و با پیشگیری از بیانه‌های گوناگون به شیوه‌های مستبدان بسی اعتراض کرده و با آنان مقابله نمایند.

بیانه ما هم امسال، مجبور شدن حکام ایران به اعترافات رسمی به جنایت‌های همه دوران حکومتشان است، که آن را در جهت تسریع



جنایت خاتمی در این ابعاد گسترشده، و اینکه ماهیتا قادر به ذره ای حرکت در جهت خواسته های مردم نیست، عسلا کلیت رژیم را به سرعت در مسیر نابودی به پیش خواهد برد. که این مایه بسی امیدواری است و می تواند مشوق مخالفان برای همکاری و زدن ضربه نهایی به آن باشد.

اما نکته قابل ذکر در اینجا اینست که وقایع امروز ایران با وجود جنبه های امیدوارکننده فوق دارای ابعاد نگران کننده ای نیز هست. که باید مورد توجه جدی قرار گیرند. همان طور که اشاره شد سال هاست که حکام ایران کم و بیش در هر فرصتی اعترافات مزبور را تکرار کرده اند. از همان اوایل ریاست جمهوری رفمندانی برای مردم، مخالفان و سایر جریان های ذیریط به خوبی روشن شد که شعار مدره شلن جز وسیله ای برای ماندن بیشتر و ادامه جنایت و کشتار مخالفان، چیزی بیش نیست. ولی چگونه هنوز هم این جنایت کاران با وقاحت کامل به خود اجازه می دهند به شکلی دیگر موضوع را مطرع کنند و به خیال خود سر مردم را به این مسائل گرم کنند؟! واقعیتی که از جمله زمینه این کار را تاکشون برای آنها فراهم نموده، عمل عناصری در میان مخالفان حکومت است که بدون توجه به دری و آگاهی مردم و تنفر عمیق توده ها نسبت به حاکمیت، هر بار برای مدتی ادعای مدره شدن رژیم را آب و تاب می دهند و آب به آسیاب او می ریزند. این چهره های به ظاهر مخالف با همراهی تبلیغاتی قدرت های خارجی، که آنها هم اهداف استعماری خود را در ایران دنبال می کنند و با هم آهنگی مستقیم و غیر مستقیم خود رژیم، سعی می کنند در مقابل پاپشاری مردم و نیرو های متفرقی برای سرنگونی قهر آمیز تسامیت رژیم ایجاد تردید و تزلزل نمایند. رژیم نیز چون جریانی از مخالفان خود را کمرسته و مصمم برای نابود نسودن

این بار خازع می تری از عقب نشینی های رژیم به نمایش گذاشته می شود. عمق انزجار مردم به حدی او را تحت فشار قرار داده که قسمت عظیمی از موجودیت خود یعنی جناح خاتمی را به عنوان جناح معترض به جنایات مرتکب شده به صحنه آورده است. وعده های خاتمی برای ایجاد جامعه قاتونی، تامین آزادی وغیره وغیره، ونیز آمنی همه دستگاه تبلیغاتی رژیم و معامله گران غیری به پشتیبانی از آن، درحقیقت نشانه وسعت آگاهی های مردم از جنایات رژیم و عمق تشریفات آن از اوست که سردمداران حکومت آن را به خوبی دریافت کرده و از ترس نابودی به دست و پا افتاده اند. هدف رژیم در اصل این است که باز هم مردم را سرگرم کند و از انفجار جاسعه جلو گیری نماید. شاید این بار نیز بدین وسیله چند صباحی بیشتر دوام بیاورد. اما مگر تا چه حد استفاده از این روش ها برای او کار ساز خواهد بود. اکنون دیگر مردم زیر و بم نقشه های رژیم را بهتر از هر زمان دیگر شناخته اند و وقایع نشان می دهد که از فرصت های بدست آمده بیشترین استفاده را برای ضربه ردن به ریشه های آن می کنند. تا جایی که او ناچار شده هر بار به جنایت ها و خیانت های بیشتری اعتراف نماید.

پاپشاری بر اینکه ما مدره خواهیم شد و قول تن دادن به اجرای قانون و آزادی ها آنهم به دفعات و در فاز های متفاوت، همینطور نمایش عجولانه انتخابات شورا ها با آمار دروغین که اعضای آن را تنها از میان مجریان اصلی خود حاکمیت علم کرده اند، و آن را بوسیله بلند گوهای تبلیغاتی خود رژیم و همکاران بین المللی اش در میان دول غربی، در بوق و کرنا کرده اند. باز هم اعتراضی بسا عمیق تر از گذشته به عقب ماندگی سیستم فکری و نظام حکومتی خویش و تحمل خود تاکشون به وسیله سرکوب بر مردم می باشد. اعترافات

گسترش دهنده و موانع موجود را برای سرنگونی قهرآمیز تسامیت رژیم سرکوب و جنایت حاکم بر ایران، از میان بر دارند. در بیست و دوم بهمن ماه بیست سال قبل حرکت گستره مردم که منجر به دگرگونی ای عمیق در وضعیت جامعه ایران شد، همه مردم و گرایشات مختلف حول در خواست سرنگونی کامل رژیم فعالیت نمودند، و البته با وجودی که خیانت کسی بود که می توانست بیشترین بهره را از آن بردارد، اما حمایت از سرنگونی تسامیت نظام سلطنتی مهمترین هدفی بود که باید مورد توجه و تاکید قرار می گرفت. اکنون نیز با تعبیری کم و بیش مشابه می توان گفت که لازم است عناصر و نیرو های مسئول در جامعه با تزدیک شدن به یکدیگر حول شعار نابودی حکومت ترور و سرکوب، فربکاری های همه جناح های رژیم را قاطعانه انشاء کنند و با تاکید بر حذف تسامیت آن خود را با درخواست توده های مردم هم سو نمایند.

امروزه توان ارزیابی عمومی به مراتب بالاتر از مقطع انقلاب ضد سلطنتی است. مردم قادرند تقاضه ضعف و قوت نیرو ها را از هم تغییر دهند، و نقش موثری در پیش برد وحدت اجتماعی ایفا نمایند. از این رو نیروی های مردمی باید برای پیشبرد جو مشارکت و همکاری و ارتقاء توان دموکراتیک در جامعه، مردم را در جریان تسامی طرح ها و برنامه ها قرار دهند و روی نقش آنها بطور جدی حساب کنند. به این صورت که با مبنای قراردادن وحدت حول شعار اصلی ذکر شده در بالا، اختلافات فی مابین، تفاوت های دیدگاهی و عملی را هرچه صریح تر با مردم در میان بگذارند، و از طرف دیگر آمادگی پذیرش نظرات جدید و انتقاد را در خود بالا ببرند. که در نهایت اختلافات با اتکا، به فضای عمومی اثر مخرب خود را از دست خواهند داد و دیدگاه های گوناگون را قادر می سازد تا جایگاه مورد قبول در جامعه پیدا کنند. حرکت بر این مبنای، هم توان نیرو های سیاسی و در نتیجه مردم را برای ساختن یک نظام دموکراتیک ارتقاء، می دهد و هم مخالفان واقعی را قادر خواهد ساخت با ترفند های ترقه افکنانه رژیم مقابله اساسی نمایند. این امر خود وظیفه ای غیر قابل مسامحة است که آن هم از متون شعارها و درخواست های مردم به خوبی قابل درک است. در خاتمه به جاست تاکید شود که برای مقابله موثر با ترفند های موجود و ارتقاء مبارزات آزادی خواهانه، اتخاذ روش ذکر شده امری اجتناب تا پذیر نیز می باشد.

تهرآمیزش در مقابل خود می بیند، از مدت ها قبل روی هم آهنجگی با این عناصر و گرایشات فرست طلب فسوق حساب گستره ای باز کرده و از آن ها به اشکال گوناگون بهره برداری می نماید. برای رژیم هرگونه اعتراضی از طرف این دسته از مخالفان، و حتی شعار تغییر بنیادی حکومت، اما بدون مبارزه قهرآمیز، امری قابل چشم پوشی و حتی مورد پسند است. مهمترین نیاز رژیم آنست که به نحوی مبارزه قهرآمیز زیر ستوال برده شود. در حالی که یک بررسی ساده از اعمال جمهوری اسلامی و اظهارات آشکار و علني عمال آن به روشنی نشان می دهد که این رژیم مهم ترین عامل حفظ موجودیت خویش را ادامه سرکوب و بالا بردن جو رعب و وحشت در جامعه تشخیص داده و گستاخانه هیچ اعتنایی به اعتراضات مردم نکرده و نمی کند. از طرف دیگر او که هر بار ادعای دموکراتیک شدن و ایجاد توسعه سیاسی در جامعه را تکرار می کند، و همینطور حامیان خارجی او، تا کنون حاضر نشده اند به یک انتخابات واقعا آزاد با نظرارت بین المللی و شرکت همگان در آن تن دهند. که البته دلیل آن روشن است. اما تا زمانی که چنین است، جز درهم شکستن ماشین سرکوب نظامی او و سرنگونی تسامیت آن راه دیگری برای نجات مردم وجود ندارد. امری که در واقع خواسته عصوم مردم به جان آمده ایران در مrocوقیت کنونی است. و این خواسته را واضح تر از هر زمان دیگر به خوبی می توان از سه منبع زیر استخراج و استنتاج نمود:

- اول از خلال شعارها و نظراتی که خود مردم در فرست های بسته آمده در تظاهرات و بیانیه ها وغیره، در داخل ایران ابراز می دارند.
- دوم از لایلای وعله و وعید های خود جناح مدعی استحاله در رژیم که آنها را براساس ارزیابی دقیقت از زمینه های انفجار در جامعه تنظیم می کند.
- سوم از تحلیل های نیروهای مخالف و جریانات مستقل و بی طرف بین المللی.

حال هر کس، به هر عنوان محلی برای اصلاح در درون این رژیم را تبلیغ نماید، اکنون دیگر بعد از این همه شواهد و روشنگری، خود را در ردیف دشمنان مردم قرار می دهد. و باید با هوشیاری او را شناخت و از او فاصله گرفت.

در ضمن این را نیز نباید نادیده بگیریم که یک حرکت اصولی لازم علاوه بر تاکید بر سرنگونی تهرآمیز رژیم، توان ایجاد جو فرآگیر برای همکاری گرایشات و دیدگاه های متفاوت را تقویت نماید. عقب نشینی های متعدد رژیم و انشاء ضعف های درونی آن بار ها نشان داده که تا چه اندازه ضعیف و ضریب پذیر است، و این همساره هشداری بوده برای مخالفان که باید همکاری های خود را هرچه بیشتر

گزیده هایی از:

اخبار

۶

گزارشها

شوراهـا - جناحـها

رادیو اسـرائـیل ۱۴ دـی:

در تهران اعلام شد تنها ۳۳۴ هزار نفر بعنوان داوطلب شورا ثبت نام کرده اند این در حالیست که شماره کرسیهای نمایندگی (شوراهـا) در مجموع ۲۰۰ هزار کرسی است و مقامات حکومت پیشتر گفته بودند دست کم ۴۰۰ هزار نفر باید ثبت نام کنند... وزارت کشور حکومت اسلامی اسراز امیدواری کرده بود که ۱ میلیون نفر به عنوان داوطلب ثبت نام کنند.

رادیو اسـرائـیل ۲۶ دـی:

(برای اولین بار) پس از روی کار آمدن حکومت اسلامی در ایران طرفداران مسلح دو جناح رژیم در اصفهان به روی یکدیگر آتش گشودند و دست به اسلحة برندند. سید جلال الدین طاهری امام جمعه اصفهان به شدت مضروب شد و از جمله با چوب و چماق و سنگ و لنگه کشش مورد ضرب و شتم قرار گرفته است. رادیوی دولتی ایران امروز... صرفما به انتشار بیانیه شورایی سیاست گذاری ائمه جمعه ایران بسته کرد و در این باره چنین گفت: در آخرین

جمعه ماه مبارک رمضان، روز جهانی قنس در شهر اصفهان به هنگام اقامه نماز جمعه گروهی از افراد برای باربری استفاده میکنند و از دخترها سواستفاده میکنند...

امور خارجی

رادیو آلمان ۳ بهمن:

به نوشته روزنامه همشهری موتورسواران مسلح پارلمان اروپا با انتشار قطعنامه ای خواستار اعزام یک هیئت بین المللی به ایران به منظور

رسیدگی و تحقیق درباره قتل‌های زنجیره ای اخیر گردید... دولت محمد خاتمی برای نشان دادن حسن نیت خود درباره رسیدگی به پرونده قتل نویسندهان ایرانی باید با اعزام هیئتی به ایران موافقت نماید... هیئت مورده نظر می‌تواند در ریگیرنده جوامع بین المللی حقوق بشر، نماینده کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، نماینده انجمن جهانی زنان و نماینده کمیسیون حقوقی پارلمان اروپا و چند حقوق‌دان مستقل تشکیل گردد. این اولین بار است که یک هیئت اروپایی برای رسیدگی به موارد قصض حقوق بشر در ایران، خواهان اعزام هیئتی به این کشور شده است.

رادیو فرانسه ۱۵ بهمن:

پلیس فلسطین دیروز اعلام کرد که توطنه ایرانیان (ژشم) را که می‌خواستند با کسک به جنبش حماس عملیات اتحادی علیه یک مینی بوس حامل دانش آموزان اسرائیلی انجام دهند خشی کرده اند سرویس‌های امنیتی تشکیلات فلسطین هفته گذشته از گروه عزاللین قسام شاخه نظامی حماس اسنادی مرسیوط به واریز کردن ۳۵ میلیون دلار به حساب این گروه تویست سرویس‌های اطلاعاتی ایران بست آورده اند.

رادیو اروپای آزاد ۲۱ بهمن:

(درینیه‌ای که) به گفته رابین کورت (عضو مجلس بریتانیا) ۲۰۰۰ نماینده حزب کارگر، ۹۰ نماینده حزب محافظه کار، ۵۰ عضو مجلس لردها و عده ای دیگر از نمایندهان احزاب دیگر در مجلس عوام آن را امضا کرده اند از دولت بریتانیا خواسته شده است با توجه به عدم تغییر شرایط سیاسی و اجتماعی در ایران روابط دیبلوماتیک خود را با این کشور گسترش نمهد. در این بیانیه همچنین از شورای ملی مقاومت نام برده شده و از بیانیه ۲۲۰ عضو کنگره امریکا در اوایل این ماه که تصمیم گرفته مجاهین خلق را ترویست نخواندند حمایت شده است.

حزب کارگر اران سازندگی را که ستاد انتخاباتی آن نیز در همان ساختمان قرار دارد هدف تیراندازی تراو داده اند... روزنامه اخبار امروز نوشت؛ علاوه بر ستاد مرکزی حزب کارگر اران سازندگی که در آن ۳۰ تن رخنهای سبک برداشتند برخی ستادهای انتخاباتی دوم خردابیز مورد حمله قرار گرفته است. با آنکه حمله به ساختمان حزب در طرف چند ساعت آغاز تکرار گردید... به نوشته روزنامه خرداب یک گروه متعصب منهضی بنام جمعیت انصار ثارالله نیمه شب گذشته مستولیت حمله مسلح‌انه می‌سور را به عنده گرفت.

کودکان

رادیو رژیم ۲۱ دـی:

- طبق گزارش سازمان غنویین الملل هم اکنون بسیاری از کودکان زیر ۱۵ سال در کشورهای افریقایی با استفاده از سلاحهای سبک مشغول نبرد هستند... طبق آمار ارقام موجود در ده سال گذشته حدود ۲ میلیون کودک در نبردهای مختلف گوشش و کنار چهان جان خود را از دست داده اند و در همین مدت ۴ میلیون کودک نیز در اثر جنگی‌ای ویرانگر آواره شده و از ابتلایی ترین امکانات زندگی بی برهه اند.

رادیو اروپای آزاد ۵ بهمن:

مقامات یونیسف می‌گویند: که چهار سال پیش این سازمان در ۱۵ کشور درگیر جنگهای داخلی مشغول بese کار بود و لی اکنون تعناد کشوهایی که در آنها جان کودکان در مععرض خطر قرار دارد و عملیات اضطراری یونیسف مورد نیاز است به ۵۵ رسیده است. طرفهای درگیر کشمکشها به حقوق کودکان احترام نمی‌گذارند آنها از کودکان برای باربری استفاده میکنند و از دخترها سواستفاده می‌کنند...

رادیو ایالات متحده ۶ بهمن:

پارلمان اروپا با انتشار قطعنامه ای خواستار اعزام یک هیئت بین المللی به ایران به منظور

شون در حال رسیدگیه یعنی کسانی نیستند که همه شون جواب منفی گرفته شده باشند بنابراین کسانی که الان زیاد خارج شوند) کسانی هستند که جواب منفی گرفته اند. اگر مجلس الان حرف کابینه و دولت را تبول بکنه قسم بعدی در واقع اجرا کردن این تصمیم خواهد بود یعنی اینها را سوار هوایما بکنند و برگردانند.

رادیو اسرائیل ۱۵ بهمن:

امروز تظاهراتی از جانب سازمان همبستگی پناهندگان ایران در هلند «پرایم» در پاییز دفتر سازمان ملل در شهر لاهه برگزار شد که طی آن شماری از ایرانیان بخشی از ساختمان را اشغال کردند و خواستار لغو تصمیم دولت هلند گردیدند. سازمانهای حقوق بشر در هلند بر دولت آن کشور فشار می آورند تصمیم خود را برای بازگرداندن پناهجویان به ایران باطل نمایند.

ربودن اوجالان

رسانه ها ۲۷ و ۲۸ بهمن:

عبدالله اوجالان رهبر جنبش کرد ترکیه طی طوطنه هماهنگ بین المللی به کمک سیا، موساد و پلیس مخفی ترکیه دستگیر و به ترکیه ریوده شد وی بملت چند روز در سفارت یونان در کنای پناهندگان شده بود، وکیل اوجالان در هلند گفت: بر عکس اظهارات مقامات یونان پلیس مخفی ترکیه کاملا در کشور کنیا حاضر بود. هواداران اوجالان در سراسر جهان دست به اعتراض زده و در اغلب کشورها سفارتخانه های یونان را تسبیح و درهم شکستند و اعضای سفارت یونان در اتریش و هلند را به گروگان گرفتند. در این اعتراضات حدائق ۳ تن از کردها در برای کنسولگری اسرائیل در برلن توسط نیروهای امنیتی اسرائیل کشته شدند و در داخل ترکیه نیز حدائق یکشفر خود را به آتش کشید و جان داد در همین حال فقط دولت امریکا بطور رسمی ازاعلام خبر دستگیری عبدالله اوجالان استقبال و اظهارات خشنودی کرد.

رادیو اسرائیل ۲۶ دی:

گروههای دانشجویی ایرانی با تأخیر چند روز، به تیراندازی نیروهای امنیتی به سوی دانشجویان در محوطه داشتگاه تهران اعتراض کردند. یادآور میشود سه شنبه گذشته در حالیکه بیش از هزار نفر از دانشجویان آزادیخواه در داشتگاه تهران در اعتراض به قتلایی سیاسی اخیر و نقش وزارت اطلاعات در آن تظاهرات کرده بودند نیروهای امنیتی دست به تیراندازی زدند... رسانه های گروهی ایران این خبرها را در آن روز سانسور کردند.

پناهندگی

بی بی سی ۳ بهمن:

دیشب آقای تیاب کومنی یکی از معاونان وزارت دادگستری هلند و مستول رسیدگی به امور پناهجویان در جلسه دولت ضمن اعلام سیاست کشورش در قبال پناهجویان ایرانی گفت: که اوضاع ایران اکنون امن است و آن دسته از پناهجویان ایرانی که تا کنون پاسخ برای درخواست پناهندگی خود دریافت نکرده اند به ایران بازگردانند خواهند شد. آقای کومن افزود: که طرح تازه دولت هلند همچنین شامل دیگر پناهجویانی خواهد شد که ظرف یکی دو سال آخر به واسطه عدم اطمینان دولت هلند از اوضاع ایران توانته اند بطور موقت و مشروط اجازه اقامت در هلند را بگیرند. در حال حاضر تعداد ۴۶۰ پناهجوی ایرانی در اردوگاههای پناهندگان منتظر دریافت جواب پناهندگی خود می باشند. دولت هلند اولویت برای پناهندگانی تایل است که کشورشان امن محسوب نگردد و دولت هلند آنان را واجد شرایط پناهندگی در این کشور به حساب آورد.

رادیو اروپای آزاد ۱۰ بهمن:

(بخشی از صحبتیای خانم فرج کریمی ناینده پارلمان هلند از حزب سیزدها): این آماری که شما می‌دانیدن ۵۰۰۰ انفر کسانی هستند که الان پرونده

رادیو فرانسه ۸ بهمن:

۳۲۰ تن از ناینده‌گان مجلس ایتالیا خواستار لغو سفر محمد خاتمی به این کشور شدند این ناینده‌گان در نامه خود به «الما» نخست وزیر ایتالیا می نویسند؛ تبول سفر رئیس جمهوری یک حکومت قرون وسطی به ایتالیا غیر قابل تصور است و ما خواستار لغو فوری این سفر هستیم. این نامه در هماهنگی با شورای ملی مقاومت ایران تلوین شده است. این نامه را ناینده‌گان احزاب مختلف در مجلس ایتالیا امضا کرده اند. وی (خاتمی) در روز ۹ مارس با نخست وزیر ایتالیا دیدار می کند. در همین روز شورای ملی مقاومت و شماری از ناینده‌گان مجلس ایتالیا تظاهراتی علیه سفر رئیس جمهوری ایران برگزار خواهد کرد. بگفته ناینده‌گان مجلس ایتالیا وضعیت حقوق بشر در ایران علی رغم سخنان خاتمی هیچ‌گونه بیبودی نیافر است و اعدام و شکنجه همچنان در ایران ادامه دارد.

رادیو اسرائیل ۸ بهمن:

به گزارش خبرگزاریهای غربی از جمله آژانس فرانس پرس از هلند امروز در تظاهرات ایرانیان در شیر لاهه پایتخت هلند به سوی ساختمان سفارت جمهوری اسلامی ایران حمله شد که در جریان این تظاهرات شیشه های ساختمان شکست. فعالان گروههای کرد به ناینده این خبرگزاری گفتند: این اتفاق و رشتہ تظاهرات آنها واکنشی به کشتار خونین مردم کردستان در دوشنبه گذشته ۲۲ فوریه در شهرهای ستننج، مهاباد، مریوان، سقزو و کامیاران است.

کارگری - دانشجویی

رادیو اروپای آزاد ۲۸ دی:

روزنامه انگلیسی زبان تهران، «ایران نیوز» خبر داد که احتصالا ۸ کارخانه بزرگ نساجی که متعلق به بنیاد مستضعفان است در پایان سال جاری ۸ هزار نفر از کارگران خود را اخراج می کند.

رادیو رژیم ۰۲ بهمن؛
- رئیس جمهور استغای وزیر اطلاعات را پذیرفت... متن پاسخ رئیس جمهوری-وزیر محترم اطلاعات اینکه که پس از حمله یکسال و نیم تلاش و خدمت در وزارت اطلاعات تصمیم به استغای و قطع همکاری با دولت در وزارت اطلاعات گرفته اید ضم سپاسگزاری از خدمات و خدمات فراوان جنابعالی و تقدير از تلاش ارجمند همکاران عزیزان در وزارت اطلاعات که پاساران ارزشیان اقلاب، امنیت ملی و حرمت شهروندان بوده و هستند. استغایتیان را می پنیم... .

- متن استغای آقای دری نجف آبادی (خطاب به خاتمی)؛

(پیشریش وزارت اطلاعات) از ابتدا بنا برخواست و اصرار حضرتعالی و در شرایط حساس آن دوران و احساس وظیفه شرعی و تکلیف الهی صورت گرفت. امید است برادری که این مسیولیت خلیل و این امانت سنگین را عهده دار خواهد شد با پشتونه الهی، رهبری جنابعالی و مردم در انجام وظایف خود موفق باشد.

رادیو رژیم ۱۵ آسفند؛

در جلسه علنی امروز مجلس شورای اسلامی آقای یونسی با ۱۹۷ رای موافق، ۹ رای مخالف و ۱۸ رای ممتنع از مجموع ۲۲۴ نایبندگان حاضر در جلسه برای تصویب وزارت اطلاعات از مجلس شورای اسلامی رای اعتماد گرفت... رئیس جمهور در جمع نایبندگان مجلس افزود: ... احسان امنیت مردم در جامعه و احسان نامنی بدانیشان که برای براندازی نظام تلاش می کنند شانه امنیت پایدار و ثابت (است)... آقای یونسی (در مصاحبه ای) ... درباره قتلایی اخیر گفت: در این ارتباط ۱۰ نفر دستگیر و تعدادی بین ۲۰ و ۳۰ نفر نیز بازجویی شده اند... درین دستگیر شدگان معافی از وزارت اطلاعات نبود... آقای

کارمندان شریف، فناکار و بزرگوار آن، منشا خدمات و خلق حماسه های ملی در جهت پاسداری از انقلاب، دفاع از میهن و خدمت به مردم بوده اند... .

خامنه‌ای نماز جمعه ۱۸ آذر تهران:

- من عرض میکنم به مستولین وزارت اطلاعات به مدیران، به وزیر، به همه... همانطور که در پیام رئیس جمهور مختار این بود... که خوشبخت شلم از این پیام، پیام خوبی بود به همه تان من عرض میکنم روحیه تونو نباید از دست بلید، سنگرهاتونو محکم حفظ کنید.

- این قضیه به نظر ما، این رشته هنوز سر درازتر این دارد... من نی توأم باور نکم و قبول نکنم که این قتلایی که اتفاق افتاد، اینها بدن یک نمایشنامه، بقول آقایین بدن یک ستاریوی خارجی باشد.

رادیو اسرائیل ۱۱ آذر:

رتیس مرکز اسناد اقلاب اسلامی حجت الاسلام حسینیان در یک مصاحبه اختصاصی که در شماره امشب کیهان تهران انتشار یافت گفت: نیروهایی که مرتكب چنین قتلایی شده اند افرادی منهضی بوده و از لحاظ سیاسی از طرفداران موسوم به جناح چپ و از هواداران راستین آقای خاتمی بوده اند... .

رادیو اسرائیل ۲۶ آذر:

اعضای سه گانه کمیته ویژه ای که از سوی حجت الاسلام سید محمد حاتمی برای تحقیق درباره قتلایی سیاسی اخیر برپاشده معرفی شدند، آقای علی ریسعی... حجت الاسلام ابراهیم یونسی و آقای سرمدی هستند. آقای علی ریسعی از مسئولان اصلی روزنامه کار و کارگر و یکی از مقامات شورای امنیت ملی نیز هست که در

گذشته از مقامات بلنپایه وزارت اطلاعات بوده است (معاون فلاحیان)- ابراهیم یونسی رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح و آقای سرمدی معاون کنونی وزیر اطلاعات است.

«پیهار ایران ضمن حمایت قاطع از حق مقامات پناهندگی سیاسی، رسوده شدن رهبر جنبش کرد ترکیه آقای عبدالله اوجالان را توطئه ای طراحی شده از طرف امپریالیسم جهانی دانسته و خواستار آزادی سویع وی می باشد».
رادیو اسرائیل ۳ آسفند:

عبدالله اوجالان رهبر کردهای ترکیه پس از آنکه پستور پرزینلت حافظ اسد از سوریه اخراج شد به ایران رفت و از تهران بسوی رم رهسپار گردید و در آنجا بود که برای نخستین بار شناسایی و دستگیر شد. این اشکنی نشان می دهد که مقامات ایران که اکنون به دستگیری آقای اوجالان ظاهرًا توسط ترکیه اعتراض می کنند خود در اخراج او از ایران و بنام انتقام اوتا حدی نقش داشته اند. «ها آرتعن» نوشت: سرویسهای امنیتی قبل از آنکه آقای اوجالان از تهران بسوی رم برسود از سوی منابع ناشناسی که احتمال می رود مقامات ایران باشند، آگاه شده بودند که آقای اوجالان در راه رفتن به رم است و حامل چه نوع گذرنامه جعلی می باشد.

سرانجام قتلها

رادیو رژیم ۱۵ آذر:

پیرامون وقوع قتلایی اخیر-(وزارت اطلاعات) با همکاری کمیته ویژه تحقیق رئیس جمهوری موفن گردید شبکه مزبور را شناسایی، دستگیر و تحت تعقیب و پی گرد قانونی قرار دهد و با کمال تأسف معلومی از همکاران مستولیت ناشناس، کچ انداش و خودسر این وزارت خانه که بی شک آلت دست عوامل پنهان قرار گرفته و در جهت مطامع بیگانگان دست به این اعمال جنایتکارانه زده اند در میان آنها وجود دارد... .

رادیو رژیم ۶ آذر:

(از پیام خاتمی به کارکنان وزارت اطلاعات) - در این میان وزارت اطلاعات و

مودودیت آزمون مشارکت مدنی! خاتم رژیم

» م. ح - پیوئلde «

انتخابات در چنین سیستم نبوده و نیست بلکه هر باندی سعی دارد که آن نوع نظارت‌ها در کنترل طیف خودشان باشد و قواعد بازی بین شان خوب رعایت شود. «اگر قواعد بازی خوب رعایت بشه یعنی شورای نگهبان و گروههایی که دست اندرکارند چهارچوب قانونی را رعایت کنند اکثریت قاطع با جبهه ما خواهد بود»^(۱)

بنابراین، این انتخابات هم در کشورمان در فقدان احزاب و سندیکاهای... مقدمه تحرکی دیگر برای کسب قدرت باندی - جناحی همچون انتخابات ریاست جمهوری، خبرگان... است. شوراهای در نفس خود در راستای فرماسیون نوین و صدرن سیاسی - اجتماعی نوعی خیزش مترقبانه برای نجات توده ها از مدار بسته ستم استبدادیست که تضاد ذاتی و بنیادی با حاکمیت شوم سیستم ولایتی دارد.

اکنون در نام انبساط و توسعه سیاسی می خواهد همان روشها را در شکلی مدرن و مدره! و در همان قالب سابق اعمال نماید.

خشتهای جامعه مدنی خاتمی با آب دهان ولایت فقیه و مقام معظم رهبریش» به هم چسبیده و مردم نیز محبوس و گرفتار دیکتاتوری افسار کسیخته چنین سیستم جنایتکاری هست. حق حیات سیاسی و فرهنگی از مردم سلب شده و اینهمه اکنون می خواهد صورت مدرن و قانونی بخود کشید و کر نه نفس شورا در تضاد مطلق با مقوله ولایت فقیه است.

اینان در هر دوره با بازی با واژه ها و کلمات، توده های مردم و متوجهین را به بازی می گیرند. زمانی نظرات استصوابی شورای نگهبان و اکنون هیئت های نظارت و اجرایی بهانه رقابت و کشمکش باندها و جناحهای دستگاه ستم ملایی شده است، در صورتیکه دعواهای اصلی در نفس وجود این نوع نظارت‌ها و یا خیانتبار بودن نفس

رونده تحلیل و تحدید «شوراهای» در ایران دوران ستمشاهی و نیز بعد از حاکمیت ولایت فقیه در جامعه امری روشن و واضح است. شوراهای از شعارهای مترقب دوران مشروطه و انقلاب ۲۲ بهمن و اندکی در بهاران آزادی بعد از انقلاب به شمار می رود. در دوران حاکمیت ملایان پتدیج اما بر سرعت شوراهای به انجمنهای اسلامی در تمامی نهادها و ارگانهای کشوری تبدیل شد و بصورت چشم و گوششای ولایت فقیه برای سرکوب و لودادن انقلابیون و آزادیخواهان در آمدند. با این سابقه انجمنهای اسلامی چون پختک مشغول حرast از کیان ولایت فقیه شلنند. تنه چنین وارونه اندیشه و انحراف بسیار سید خندان رسید. طیف جدید ولایت فقیه هم تقدیم دارد در چهارچوب همان دستگاه، همان انجمنهای اسلامی را ایندفعه در نام مقدس شوراهای وارد دستگاه زنجیردار «نظم ولایتی» نماید. انجمنهای اسلامی که در راستای بسته و انقباض سیاسی جامعه به کار گرفته می شد

انقلاب مشروطه - شوراهای

عنوان «نایندگان خدا» در راه سرکوب چنین پیشرفتی کوتاهی نکردند و شاه و ملا جای خلق و ملت را غصب کرده و تاج و عمامه را بهم گره زدند.

همانظورکه گفته شد از جمله دستاوردهای گرانبهای دوران مشروطه اعلان و تأسیس انجمنهای ایالتی- ولایتی(شوراهای) در قانون اساسی آن دوره بود که در زمان سلطنت قاجار توسط مشروطه خواهان به آنان تحمیل شد. چنین اندیشه و

گذشته شد. چنین اندیشه و جایگاه درست آن، مورد کنکاش تفكرات سیاسی شد. در کشور ما با سابقه کهن، حاکمیت ملت و قانون هرگز مطرح نبوده است. نظره چنین انتظار مترقبانه ای بعد از سالها مبارزه در انقلاب مشروطه نهاده شد که راه رشد خود را توسط مبارزان همچنان طی می نماید. برای کسب چنین پیشرفتی خونهای زیادی از پیکر ملت تپرمان ایران ریخته شد ولی شاهان با عنوان «سایه های خدا» و ملایان با

انقلاب مشروطه نقطه عطفی در شکل گیری اندیشه سیاسی، مدنیت و شوراهای عشوان انجمنهای ایالتی و ولایتی و قانونگرایی بوده است. پس از گذشت یک تون از انقلاب مشروطه ایران بر اثر خیانتها و سرکوبهایی که در راستای ساختار سیاسی در جامعه ما بعمل آمد راه رشد اندیشه و تفکر سیاسی بیوژه اجتماعی شدن آن را دیکتاتورها سد کردند. ستون فقرات مدنیت و قانونگرایی در ایران در انقلاب مشروطه

آزادیخواهی و شوراهای ایالتی و ولایتی را تصاحب کرده. شاهان بویژه بعداز انقلاب مشروطه به کس آخوندهایی مثل کاشانی و از جنس شیخ فضل الله حاکیت خود را جایگزین حاکیت ملت و قانون کردند. درصورتیکه هر دو فاکتور ماحصل و شعار پایه ای انقلاب مشروطه بود. تحت تاثیر چنین جایگزینی نامشروع، اندشه سیاسی-اجتماعی و شورایی شدن اداره مملکت قفل شد و باعث از بین رفتن تنظیم مسالمت آمیز رفتارهای اجتماعی که از پایه های قانونگرایی است گردید و آزادیخواهان به مسلح کشیده شدند. از شرایط زندگی در محیط مسالمت و آزادی، پیکار برای کنارآمدن با دگراندیشان است که حاکیت استبداد آن را برای دوره ای به تاخیر انداخت. از مهمترین شاخصهای پراکندگی و دویی از همزیستی مسالمت آمیز اندیشه های متفاوت و مختلف، عقیم ماندن جایگزینی انجمنهای ایالتی و ولایتی (شوراهای) به جای اندیشه استبدادی و دیکتاتورگرایانه شاهان و ملیمان بوده است.

گرایی، محتوای آن انقلاب که نهادینه کردن دموکراسی، آزادی و مدنیت بود به فراموشی سپرده شد. در طول طی شدن چنین روندی که مردم از یکسری سنتهای فتوالی-ارتجاعی گسته می شدند و میخواستند سیستمهای مدنی و مدنیت را جایگزین سازند در اثر خیانت سیستم استعمار و دستگاه وابسته شاهی، از اجتماعی شدن چنین گرایشاتی جلوگیری شد و مردم دچار نوعی خلا هویت گردیدند. قانون اساسی بعداز انقلاب مشروطه هم در اثر همین نوع خیانتها دچار انحراف و نواقص بنیادی شد که بیشتر ناشی از انحراف اصول انقلاب و اجتماعی نشدن اندیشه سیاسی در جامعه بود. نفسوز اندیشه دیکتاتور مأبین در همان قانون، دریندها و تبصره هایش سایه شوم استبداد را به خود استبداد تبدیل کرد. بشد اول قانون اساسی مشروطه می گوید: «سلطنت و دیوهای ای است که از طرف ملت به پادشاه تفویض میشود». تنافق بزرگ و بنیادی در اینجاست که این تفویض کی و چگونه انجام شد؟ بدلیل همین نقیصه و انحرافات ریشه ای بود که پادشاه و اندیشه استبدادی جای ملت و اندیشه

دستاوردي در زمان مصدق نيز پي گيري و اصلاحات قانوني توسيط وي برای تشکيل چنین انجمنهایي بعمل آمد.

اصل ۹۲ متمصم قانون اساسی مشروطه می گويد: انجمنهای ایالتی و ولایتی (شوراهای) اختیار نظارت قام در اصلاحات راجح به منافع عامه دارد. بدین ترتیب در این دوران اينهای نويسنشكلي گرفت ولی متاسفانه خيانهای استعماري که در حاکیت شاهان مستبد و خانان خلاصه می شد اينهایها را منسوخ و به آن شکل خانخانی و عشيرتی دادند و از اجتماعی شدن همه جانبه آن اينهای جلوگيري نمودند لذا تحول مورد نياز بعمل نیامد. پنجه های آهنین و آزادی کش مستبدین، مبنای خواسته چنین نهضتی را که مدنیت و دموکراسی بود در نطفه عقیم گذاشت و انقلاب دچار شکست و انحراف گردید. در عوض فرد دیکتاتور و وابسته ای مثل رضاشاه فقط فرمای تجدد و مدنیت را ساده سازانه و عقب مانده حاکم کرد و فرماليزه کردن ارتش سراسري، برچيله شدن بساط خانخانی و اصلاحات اداري، تنظيم ماليتها و غيره باو ياد داده شد. همپاي چنین شکل

توسعه سیاسی - شوراهای

پروسه ای را طی کرده است. انقلابات اجتماعی، عامل اصلی و بنیادین چنین تحولی در جوامع گوناگون است. تحت تاثیر چنین انقلاباتی قانون و اصولاً قانونگرایی وارد اندیشه سیاسی خودروزان شد. قانون اصولاً تعیین کننده روابط مختلف انسانی است ولی در جوامع دیکتاتوری از جمله جامعه ما تحت تاثیر حاکیت شاهان و حالا سلطنت فقهی چنین مقوله ای ناقد ارزش اجتماعیست چون دیکتاتورها حرف خود را پایه قرار می دهند و نظرات مردم نه تنها

وضعیت سیاسی-اجتماعی جامعه ايران در حال تغیيرات بنیادی است. به نظر می رسد ملت موقع شناس ايران راه تعیین تکلیف نهایی را طی می کند. تکلیف نهایی با انتخاب نهایی مترادف است. رخدادهای اخیر جامعه، طی شدن پروسه کمی چنین مسیری را در طول ۲۰ سال مبارزه بی امان مردم، بوضوح نشان می دهد. به نظر می رسد خلق وارد مرحله انتخاب نهایی گردیده است.

اندیشه سیاسی جامعه را به راه درست انتخاب در ابعاد مختلف و مسیر پیشرفت آن رهنسون میشود. به مساوازات رشد اندیشه سیاسی بوده است که در جوامع مختلف مستنه دولت، ملت، قانون و مدنیت پایه گذاري شد. اکنون در کشورهایی که قانونگرا بوده و از آزادی نسبی برخوردارند چنین

استخوانبندی مهم قانون اساسی رژیم جمهوری اسلامی را تشکیل میدهد و اکنون معیار هر چیزی از جمله کاندیداتوری شوراهای نیز مشروط به التزام و فداداری به چنین قانون عقب مانده و ضدلائق است «نقض قانون اساسی بعنوان مبنای نظام»^(۴) به هرج و مرج منجر خواهد شد و یا «کسانیکه نظام اسلامی را، قانون را، قانون اساسی و ارزش‌های قانونی مارا قبول ندانند که در قانون هم گفته شده قانون اساسی و ولایت فقیه... این افراد خوب نمی‌توانند داوطلب شوند».^(۵)

بنابراین بطور تکراری باید تاکید کرد که ریشه تمام مانورهای ضدلائقی باند تبیکار و ضدلائقی خاتم رژیم در جهت حفظ نظام ولایت فقیه با خیال ضربه به مخالفان است «اگر نیروهای اجتماعی هدایت نشوند، در جبهه مخالفان نظام قرار می‌گیرند»^(۶) شوراهای جزو ملزمات توسعه سیاسی در یک انتخابات دموکراتیک است ولی به یقین انتخابات تحت هر نامی در چهارچوب دستگاه ولایت فقیه اصولاً توسعه توهם و جنایت است.

اسلامی ایران هم غیرواقعی بودن توسعه سیاسی و وصل آن به پاره‌ای احزاب ساختگی (حزب مشارکت اسلامی) مورد ملامت و از علائم ناکامی روند واقعی توسعه سیاسی ذکر می‌گردد «اراده تصویری ناقص، تحریف شده و معوج از توسعه سیاسی و مترادف دانستن آن با تعداد اسمی احزاب، تعداد ظاهری شریعت و ترویج حرfeای شوراهای پرطمطران و فقدان درک عمیق از توسعه همه جانبی سیاسی... عمدۀ ترین دلایل این ناکامی هستند»^(۳).

توسعه سیاسی می‌باید در یک جامعه‌ای که روند مدنیت را بطور ساختاری طی کرده است جاری شود. مانع اساسی ساختن چنین جامعه‌ای استبداد و در حال حاضر ولایت فقیه است بنا براین پایه گذاری جامعه مدنی بدون حذف موانع ساختاری آن ذهنی و غیرعقلانی است که باید آنرا شناخت و از ریشه حل و فصل کرد.

جامعه مدنی و توسعه سیاسی که خاتمی شعارش را در اجتماع سرداده است در چهارچوب چنین مانع عظیمی بنام ولایت فقیه به جز خیانت و خدمت به استعمار چیز دیگری معنی نمیدهد. مقوله ولایت فقیه

پایه قانونگرایی نیست بلکه با آن به عناوین مختلف مخالفت جدی هم بعمل می‌آید. انسانها نقش آفرین روابط گوناگون محیط اجتماعی خود هستند و باید باشند که بتوانند وجهه مشترک خود را پیدا کرده و در دور هم جمع شدن اندیشه‌های مختلف و حتی متفاوت کوشانند و مسیر ساختن گروهها و احزاب سیاسی و سایر تشکلها پیموده شود. مسئله شوراهای هم بینون طی چنین مسیر و مرحله‌ای اساساً دور از واقعیات و کاری بسیار عوام‌گردانه و ضدمردمی است. رژیم ضد خلقی حاکم سر وطن اکنون با پل استعماری خاتمی چنین وانمود می‌کند که احزاب در دوره خاتمی شکل گرفته اند و بعض‌با کمک ایادی جبهه استحاله و رسانه‌های استعماری جناهها و باندهای مختلف را هم دوره گشایش و شروع تمرین دموکراسی تلمذاد می‌کنند ولی برخی رسانه‌ها و باندهای رژیم واقعیات را بعضی وقتها بهتر از جبهه‌های توهمند (البته به برگت اوچگیری تضادهای درونی‌شان) منعکس می‌کنند. «متاسفانه برنامه توسعه سیاسی دولت روند موفقی را طی نکرده است و ناکام می‌نماید»^(۲) (بنابراین در طیف رژیم جمهوری

انقلاب ۲۲ بهمن - شوراهای

استعمار درکشور ما هیچگونه اعتقاد و پایبندی به مقوله آزادی را در محتوا نداشت. لذا هرگز نگذاشت در صحنه اجتماع پا بگیرد. تصاد روش‌های دیکتاتوری و ادعای مدرنیته را سلسله پهلوی با تلیری و شکنجه پاسخ دادند و با پیز مدرنیسم، آزادی یعنی بال واقعی جامعه مدنی و مدنی را سوزانندند به همین دلایل بود که همه چیز در شکل و ظاهر باقی ماند و دستاورد و شعارهای انقلاب مشروطه در محتوا سوخت. شاهان

رونده وقوع انقلاب در دوره پهلوی بدین ترتیب به سمت قیام مردمی کشیده شد که رضاشاه نایانده انگلیس و محمد رضا فرزند نامشروع امریکا-انگلیس، هردو به تبعیت از ارباب استعماری‌شان همراه با تلخ و قمع آزادیخواهان علاقه‌ای واخر به مدرنیسم! از نوع استبدادی داشتند. همه می‌دانند که خیرماهی و ماهیت یک جامعه مدنی، آزادی و رشد اندیشه در ابعاد گوناگون سیاسی- فرهنگی است. ولی مدرنیسم صادراتی

شوراهای و تشکیل آن از مسائل مهم و شعارهای محوری مردم در قیام علیه سلطنت و ایام بهار آزادی در میهن بود. زنده یاد طالقانی از جمله مبلغان چنین شعاری بود که خیمنی در شکل و محتوا مختلف سرسخت عملی شدن چنین شعاری بود انقلاب ۲۲ بهمن در واقع تداوم انقلاب مشروطه برای جایگزینی استبداد شاهی با عنوان «شاه سایه خدا» بود.

پولکهای طلایی

نهشته؛ شکوری، از تهران

و همیشه می خواهد برود بیرون. فکر می کنم مامان، او را بیشتر از من دوست دارد. مامان هم همیشه یا یک دستمال به دست می گیرد و دور خانه می چرخد یا جارو. کسدها را می ریزد بیرون، بقجه ها را سفت می کند و باز، می گذارد در کمد. اگر هم از اینها خبری نباشد می خوابد. بابا همیشه خسته است. شبها دیر به خانه می آید. شامش را بی صدا می خورد. کمی با مامان از گرانی و اجاره خونه و این چیزها حرف می زند. و بعد می خوابد. با اینکه بابا هم ستاره ها را دوست ندارد، من او را خیلی دوست دارم.



شاید بخاطر اینکه خیلی زحمت می کشد. ما، در یک کوچه شلوغ و کثیف زندگی می کنیم. کوچه مان را اصلا دوست ندارم. مثل کوچه های دیگر نیست. آدمهایش با هم آشنا نیستند. هیچ وقت نمی خندند. برای یکدیگر نان هم نمی گیرند هر روز صحیح با صدای داد و هوار همسایه ها بیدار می شون. هیچ کدامشان را دوست ندارم. آخر آنها هر روز با هم دعوا می کنند. آن دوسته تایی هم که با یکدیگر دعوا نمی کنند. همیشه در حال کشیدن نقشه ای هستند تا بینند چگونه می توانند دیگران را اذیت کنند. این را فقط من می دانم.

از این کوچه، من تنها آسمانش را دوست دارم و آقای نعمتی را. آقای نعمتی همسایه دیوار به دیوار مان است.

تنها زندگی می کند. او خیلی تنهاست. یک شب که به پشت بام رفته بودم و می خواستم آسمان را تعاشا کنم، چشم افتاد به آقای

داستان کوتاهی که در زیر می خوانید. یکی از هموطنان در رابطه با مهاجرین و تبعیدیهایی که در آثار فشارهای وزیم به خارج گردیده اند نوشته شده و نوشته یکی از همکاران نشریه، برای چاپ در بهار ایران ارسال گردیده است.

من چیزهایی می دانم که هیچکس نمی فهمد. آن شب که این را فهمیدم آسمان ابری بود. من در پشت بام خانه روی زمین نشسته بودم و آسمان را می گشتم. شاید بتوانم یک ستاره، فقط یک ستاره پیدا کنم، اما نه. ابرهای خاکستری تمام آسمان را پوشانده بودند. مادرم بالا آمد تا رختهای روی بند را جمع کند. به مادرم گفت: "حیف، امشب از پولکهای طلا تو خبری نیست". مادرم گفت: "پولک طلائی چیست بچه؟ برو پایین وقت خوابه. گفتم: ستاره ها را می گویم."

مادرم خیازه ای کشید و با بسی حوصلگی گفت: "جهه حریفاتی می زند. اولا ستاره ها طلا تو نیستند و نقره ایند. درثانی به تنها چیزی که شباهت ندارند پولک است. ثانیا آن قدر رویایی نباش بچه، زود برو پایین. فهمیدی یا نه؟ و رفت پایین می دانست که اگر باز هم آنجا بنشینم مادرم با یک لنگه دمپایی به سراغم می آید. برای همین بعد از چند دقیقه پایین رفتم. ولی ساعتها نخوابیدم و به هرجیز باید فکر کردم. چرا مادرم ستاره ها را به هر چیز شیشه می داند جز پولک؟ چرا آنها را نقره ای می بینند نه ظلمانی؟ چرا اگر یک نفر ستاره ها را دوست داشته باشد رویایی می شود؟ فردای آن شب این را از مادرم پرسیدم: مادرم فقط گفت: اوه رو متو. من نمی دانم "اوه رو متو" یعنی چه؟ اما می دانم که معنی خوبی ندارد. چون مادرم با لحن بدی این را گفت.

اسم من مهری است. اسم خواهر بزرگتر مهناز. مهناز با اینکه فقط ۵ سال از من بزرگتر است ادای آدم بزرگها را در می آورد گوشواره های بزرگ به گوش آویزان می کند. شلوار تنگ می پوشد

انسان موجودی است اجتماعی

انسانه پژوهین

باشد. در برخورد هایمان خیلی موارد برنده می شویم و یا به عکس خیلی موارد بازنه هستیم ولی در هر صورت با روند اجتماع به پیش می رویم. خیلی وقتها مایلیم زمانی را هم برای ایجاد خلاقیت اختصاص دهیم. مدرسه امکانی است که ما را برای مقابله با موضوعات مختلف آماده می سازد و جنبه ای در خور اهمیت از رابطه اجتماعی ما را در بر میگیرد. بهترین اوقات زندگیمان به آن اختصاص دارد و در نتیجه برای هم آهنگی با آن و آموزش بیشتر ایجاد می کند که در فرزندانمان ایجاد علاقه و احتیاج به مدرسه را تقویت کنیم. اگر دانش آموزی علاقه چندانی به درس و کارهای مدرسه از خودنشان نداد، باید اورا به جهتی سوق داد که در عین حال که با علاقه و میل بدان عشق می ورزد، در رابطه با رشد جنبه های مختلف یادگیری نیز توجه کافی مبنول نماید. در حقیقت می توان گفت که طریق یادگیری به نحوی انتخاب شود که نه تنها باعث دلسردی دانش آموز نگشته بلکه مشوق او برای دست یابی به علوم و آگاهی های جدید باشد. بدیهی است والدین می خواهند در جهت مدرسه با فرزندانشان کار کنند و برنامه های خودرا در راهنمایی بچه ها هم آهنگ با مدرسه تنظیم می نایند. آنها همواره سعی خود را معطوف این هم آهنگی و فعالیتی که بچه ها در مدرسه انجام می دهند، می نایند. و محقق تلاش بر آن دارند که اهم کوشش خود را مصروف به انجام رسانند مواردی که مدرسه خواستار آن است، بمنایند.

گیری شخصیت او تاثیر به سزا بی داشته باشد. در یک مثال ساده می توان گفت که اگر سفر مناسب و مستعد را در زمینه مساعد کشت نماییم می توانیم محصول خوبی داشته باشیم، در صورتی که زمین نامرغوب و لم بزرع، بنر مساعد را نه تنها از رشد باز می دارد، بلکه امکانات رشد آنرا نیز از بین خواهد برداشت. تاثیر اجتماع در پرورش قوای جسمانی و حتی رشد بیان، طرز راه رفتن و پیدایش زمینه های مختلف رشد را می توان به کمک آزمایش های مختلف به سادگی تجربه نمود. مثلاً کودکی که بطور آزمایشی سالیان دراز در چیزی ای دور افتاده بدنون برخورد با آدمیان زندگی می کرده، پس از ورود به جامعه تنها قادر به ایجاد صدا های گوناگون بوده و هیچ گونه آداب و رسوم اجتماعی و حتی راه رفتن را به طور محض نمی دانسته، (چهار دست و پی راه می رفته). با آزمایشاتی اینگونه نقش اجتماع در رشد فرد به صورتی موثر بساز گشته و پیوسته مورد مطالعه و تحقیق قرار می گیرد.

انسان موجودی است که قابلیت انعطاف پذیری بالایی دارد. به همین دلیل توانایی تطبیق خود با عوامل محیطی مختلف را به خوبی داراست و می تواند به سرعت خود را با پیرامون خویش وفق داده و در رابطه با محیط تاثیر و تأثیر داشته باشد. بدین معنی که هم از محیط تاثیر می گیرد و هم بر آن اثر می گذارد و در هر شرایطی می تواند به انتخاب بهتر بپردازد.

ما خیلی زیاد علاقه مند هستیم که آنچه انجام می دهیم مورد قبول اجتماعان

ما غالباً در برخورد هایمان در زندگی روزمره تلاش بر آن داریم تا در انتظار به نحو بستری جلوه نموده و خود را خوشایند و ظاهرمان را آراسته تر نشان دهیم. در اغلب مواقع مقدار زیادی از وقتمن را صرف انتخاب لباس و طرز آرایش مناسب جهت پیش ساختن وضعیت ظاهر خود می نماییم. زیرا اینها همه لازمه زندگی اجتماعی است. ما در فعالیت های مختلف اجتماعی شرکت می کنیم و موارد مختلفی را می آموزیم. برای آموزش بسیاری از موارد، از مدرسه نمی توانیم بپردازیم. این درست است که مادر مدرسه در زمینه های مختلف، علوم و فنون متعددی را فرا می گیریم. ولی این بدان معنی نیست که عیناً همه چیز را از معلم می آموزیم. خیلی وقت ها از نگاه کردنمان به دیگران، از نحوه صحبت دیگران، از مشاهده مهارت های دیگران، حتی در برخورد های ساده با دوستان و یا هنگام خرید موضوعات بسیاری را فرا می گیریم. گاهی حتی مشاهده اشتباہات دیگران می تواند برایمان آموزنده باشد. که این ناشی از اجتماعی بودن فرد و انسان است. انسانی که یادگیری های او در دامن اجتماع شکل می گیرد و او مهارت های خود را در پرسو اجتماعی تحقیق می بخشد. تا جایی که عده ای براین باورنده که اجتماع می تواند حتی در تغییر عوامل ژنتیک دخالت داشته باشد. زیرا خصلت های ژنتیک فرد در رابطه با اجتماع و نحوه برداشت او از محیط تغییر پذیرند و این تغییرات می توانند در شکل

تعیه پولکهای طلایی از صفحه ۱۱

نعمتی. یک گوشه پشت بامشان نشسته بود و زیر لب با خدا حرف می‌زد. بعد از اینکه حرفهایش با خدا تمام شد، من را دید و یکساعت تمام با من از ستاره‌ها حرف زد. آقای نعمتی هم مثل من ستاره‌ها را طلایی می‌بیند و آنها را شبیه پولک می‌داند. آقای نعمتی می‌گوید: همه آدمهای رویایی مهربان هستند و هر کسی که دل مهربان داشته باشد ستاره‌ها را هم دوست دارد. اینها را خودش به من گفت. من پرسیدم: پس آیا مامان و بابای من مهربان نیستند؟ آقای نعمتی گفت: چرا هستند. اما نمی‌دانند.

گفتم پس ما می‌دانیم؟ گفت: بله ما می‌دانیم. برای همین هم دست از ستاره‌ها بر نمی‌داریم.

بعد از آن شب من هروقت که به پشت بام می‌رفتم آقای نعمتی را می‌دیدم و تا مادر صدای نمی‌کرد آنجا می‌نشستم و به حرفهای آقای نعمتی گوش می‌دادم. من می‌دانستم که آقای نعمتی هر صبح سحر بی آنکه کسی از همسایه‌ها بفهمد تمام کوچه را جارو می‌کند. او برایش فرق نمی‌کند کسی بفهمد چکار می‌کند. حتی ترجیح می‌دهد کسی نفهمد. هر کس ستاره‌ها را دوست داشته باشد همین طور است. این را هم خودش به من گفت. یک شب مادرم بالا آمد و من و آقای نعمتی را که دید گفت: ببخشید آقا این بچه خیلی حرف می‌زند. آقای نعمتی گفت که نه خانم اینطور نیست...

ادامه مطلب



در مورد مطالب ارسالی و نامه‌ها

- ۱- حتی الامکان همراه با ترجمه‌ها، نسخه‌ای از متن اصلی ارسال نمایید.
- ۲- مشخص نمایید مطلب و یا نامه‌تان با چه نامی در نشریه درج شود.

اگر گاهی از موارد دانش آموزان از مدرسه لب به شکایت می‌گشایند، و محیط مدرسه برای آنان تاخوشاً است باشد، برای برخورد با چنین مساله‌ای لازم است به ریشه یابی علت اصلی پیرادزیم و عوامل متعددی را در رابطه با این موضوع مورد بررسی قرار دهیم. ممکن است خوب تفہیمند درس باشد و یا تحوه رفتار معلم با او و یا برخورد هم کلاسی‌هایش، که هر کدام از این‌ها می‌توانند در بروز و گسترش دلسردی در دانش آموز موثر باشند. پس از پی بردن به علت مشکل قادر خواهیم بود قدم به قدم و با خود او در جهت حل آن کار کنیم. لازم است با مسامعی یکدیگر و با تزدیک کردن و همراه کردن موضوعات درسی با مسایل مورد علاقه دانش آموز، مثلاً به همراه کارهای ورزشی و یا هتری، حتی الامکان در ابعادی و اشتیاق نسبت به درس خواندن را بوجود آورد و با موارد جالب توجه تحوه کسار را هرچه بیشتر برایش جالب و جذاب نسود. در ضمن این حقیقت را نیز به او بیاموزیم که بعضی از مطالب هستند که باید آموخته شوند در حالی که ممکن است چندان هم جالب نباشند و صرفاً جنبه یادگیری آنها مهم است و انسان می‌تواند به کمک این مطالب به استقبال یافته‌های جدید برود. بنا براین بهتر است سعی کند در مقابل آنها کمتر احساس دلسردی نماید و با تلاش بیشتر به زمینه‌های اجتماعی مطلوب تری دست یابد.



قتلای اخیر تهران

و

سردمداران رژیم سرکوبگر!

«عباس - ر»

وزارت اطلاعات را زیر سوال برده و مسایل نگاه می کند از جریان تظاهرات بزرگ مشهدشیراز، اسلام آباد تا این آخری میگوید که چند تن از ماموران و افسران وزارت اطلاعات این قتل ها را انجام داده اند.^(۳) جناب ریس جمهور هم برای این وزارت اطلاعات خوش اخلاق به بد و چه چه زده و میگوید وزارت اطلاعات خود کوهی اطلاعات به این مهمی را بیرون داده است و با این ترفند می خواهد جلوی انشای مقامات رژیم را بگیرد و گزنه کدام آدم عاقلی است که نداند مقامات رژیم؛ ریاست جمهوری، رهبری رژیم، وزیر اطلاعات، فرمانده سپاه پاسداران و در کل تسامی رژیم پشت این قتلها بوده اند. بهتر است در این رابطه به گوشه ای از مصاحبه فرج سرکوهی که خود مدت یکسال در بند این رژیم سراسر قتل و جنایت بوده توجه کنیم تا در سایر این مارگزینه کجاست (مصاحبه با روزنامه تاتس) :

«تاتس: چه کسی پشت این قتلهاست؟ سرکوهی: در مورد قضیه من هم شایع شد که یک جناح از حکومت مرا دستگیر کرده است و رفسنجانی ریس جمهور وقت خواست به این ترتیب چهره خود را پنهان کند. تحریه من حاکی از آن است که وزارت اطلاعات (پلیس امنیتی) در این ماجرا مستقیماً دست داشت. در رژیم نهادی به نام شورای امنیت ملی وجود دارد که ناینده رهبر مذهبی، ریس مجلس، وزیر امور خارجه، ریس پاسداران

مسایل نگاه می کند از جریان تظاهرات که رژیم مردم را از هوا و زمین هدف قرار داده بود و بزرگ و بزرگ را می کشد و هیچ باکش هم نبوده و نیست! هر قدر به این گروه ها و دسته جات خارجه نشین می گفتند که اوضاع ایران هیچ تغییری نکرده و بدتر هم شده ولی آنها مردم را برای رفتن به داخل تشویق می کردند و گوششان هم بدھکاراین حرفا نبود!

حال که اوضاع با فناکاریهای مردم و تظاهرات و راهپیمایی و خون دادنیهای مکرر میروند تا طومار این رژیم ضد مردمی را در هم بیچید متوجه شده اند که در داخل چه خبر بوده و هست. با قتلای اخیر که رژیم در شب انجام میداد ولی مثل روز برای جهانیان روشن شد که چه دست های پلیدی پشت این جنایات بوده است. حال سوال این است چرا رژیم اعتراف به قتلها کرده است و حتی

عدهای از اطلاعاتی ها را معرفی کرده است تا این آخری که وزیر اطلاعات حاضر به استغنا شد؟ رژیم از ترس اینکه دید جوامع بین المللی مجدداً همچون دادگاه میکونوس و ترور چهار تن از گروههای کردها بطرف سردمداران جمهوری ضد اسلامی متوجه شود به دست و پا افتاده و درست بعد از فرار دو تن از آخوندهای درون رژیم بنامهای پروازی و فردی دیگر که در آلمان پناهند شده و دولت آلمان نام او را افشا نکرده^(۲)، عنان از کف داده است و باصطلاح پیش دستی کرده است

خیلی از خوش خیالان و گروههای سیاسی با قتلای اخیر که در تهران توسط رژیم ددمنش ملاها صورت گرفت فکر می کنند که این پدیده جدیدی است که از رژیم سراسر خون و وحشت سرزده و گوییا رژیم تازه به این گونه جنایات می پردازد. آنها یادشان رفته که در زندانهای ایران چه ها گذشته و می گذرد. اعدامهای و بگیر و بیندهای سال ۶۰ و اعدامهای دسته جمعی سالهای ۶۴ و ۶۵، تیرباران و اعدامهای دسته جمعی ۱۲ تا ۱۳ هزار نفر از زندانیان سیاسی در سال ۶۷ و قبل از همین قتلای اخیر، اعدام و بگیر و بیندهای نویسنده‌گان، شاعران (سیرجانی - زالزاده - سیرعلایی - غفار حسینی - حمید حاجی زاده و ...) استادان دانشگاهها و حتی اقلیت های مذهبی (کشیش حسین سودمند مهندی دیباچ - طاووس میکایلیان و ...) ولی همین خط بعد از ۲ خرداد ۶۶ و روی کار آمدن خاتمی بی پرده تر همچنان ادامه دارد، یعنی قتلایی که علنی تر شده و حتی رژیم بی شرمانه آنها را اعلام می کند. در همین رابطه خط و ربط کشtar را هم برای ادامه این جنایات ترسیم می کنند و از آینده ای تیره تر صحبت می کنند. خامنه‌ای در خطبه های نماز جمعه گفت: در آینده نزدیک این ترورها بیشتر خواهد شد، یعنی دگراندیشان و مخالفان چاره کار خود را بکنند.

ولی جامعه ایران سالهای سال است که بیدارتر از همیشه شده است و هوشیارانه به

رژیم از ترس اینکه دید جوامع بین المللی مجدها همچوون دادگاه میکوносوس و ترسور چهار تن از گروههای کردخواستگران سردمداران جمهوری ضد اسلامی متوجه شود به دست و پا افتاده و درست بعد از فرار دولت از آخوندگان درون رژیم بنامهای بروازی و فردی دیگر که در آلمان پناهندگان شده و دولت آلمان نام او را افشاء نکرده، عنان از کف داده است و باصطلاح پیش دستی کرده است و وزارت اطلاعات را زیر سوال برده و میگوید که چند تن از ماموران و افسران وزارت اطلاعات این قتلها را انجام داده اند... و با این ترقیت می خواهد جلوی افشاگران مقامات رژیم را بگیرد و گرنه کدام آدم عاقلی است که نداند مقامات رژیم: ریاست جمهوری، رهبری رژیم، وزیر اطلاعات، فرمانده سپاه پاسداران و در کل تمامی رژیم پشت این قتلها برده اند.

(۲) احتمالاً فرد مذبور در آلمان است و پناهندگان آلمان شده و تقریباً همه اطلاعات خود در رابطه با رژیم و قتل های اخیر را در اختیار مقامات آلمان قرار داده و لی آلمانیها هنوز از اونامی نبوده اند.

(۳) جالب است بدانید دری تجف آبادی وزیر اطلاعات رژیم استعفا داده و بناسرت بجای او بونسی از باند خامنه ای که فرق چندانی با او ندارد جای او را بگیرد.

(۴) خبرها حکی از آن است که مردم دسته دسته در خیابانهای مرکز شهر مشل زمان انقلاب جمع می شوند و به بحث و کنشکو درباره رژیم و قتل های اخیر می پردازند. در تاکسی در صفحه های اتوبوس مردم علناً به سران رژیم فحش و ناسزا میانهند و کاملاً توی مردم ریخته شده است. مردم در استادیومهای ورزشی خصوصاً در مسابقات فوتبال عواد آتشرا و ترقه های پرقدرت منفجر می کنند که رژیم از این عمل مردم وحشت زده شده تا جایی که در مجلس قوانین کنسل و کارگذاشتن دوربین های مخفی را در ورزشگاهها تصویب کرده است!!

در این قتلها دست دارند برای رد گم کردن قضیه ترورهای داخلی است. همانطوری که موسوی اردبیلی رئیس سابق دستگاه قضایی رژیم بعد از قتلها اعلام کرد: در این حکومت علناً آدم می دزدند و بعد او را می کشند. حال آنکه آدم دزدی بدتر از قتل است وی افزود واقعاً نمی دانم چه ذلتی در کین ماست؟!

ولی خلق ستم کشیده، شبد داده میاند که چه ذلتی در انتظار شماست و مسلمان این را تاریخ گواه خواهد داد و هیچ تردیدی به خود راه ندهید که ذلت و خواری بزوی شما را در بر می گیرد و رئیسی با این همه قتل و غارت و پایه های حاکمیت منصب ارجاعی از نوع ولایت فقیه آن متزلزل شده و میروند تا طومار این رژیم قرون وسطایی را خلق قهرمان با هوشیاری و اراده آهنین خود در هم پیچد، میروند تا رژیم توتالیت را برای همیشه به زیاله دانی تاریخ بسپارند. باشد تا ایرانی آزاد - دموکراتیک به ارمغان آوریم.(۴)

به امید آنروز

انقلاب، وزیر اطلاعات و رئیس جمهور و ... عضو آن هستند. این شورا درباره مسائل استراتژیک تصمیم می گیرد و تعیین می کند از جمله چه وقت چه کسی باید کشته شود تا دیگران به وحشت بیفتد. آنها همیشه از خط قرمز صحبت می کنند. هر کسی از این خط عبور کند کشته میشود!

تاتس: یعنی خاتمی می دانست که این قتل ها باید انجام شود؟

سرکوهی: خاتمی خواستار دمکراسی محدود است! ... ولی من بر این باورم هستم که در قتل های اخیر نیز رئیس جمهور آسوده است. دلیلش هم این است که خاتمی از مردم می ترسد. در آغاز بر آن بود که رفمها بیان اندکی تغییر یافته و مردم دریافتند که می توانند زیان بگشایند و آنگاه مردم تایید کردند که هیچ چارچوبی را نمی پذیرند و خواست مردم حتی قدرت خاتمی را به خطر می اندازد.»

پس اینکه رژیم و سردمدارانش اعلام می کنند عوامل خارجی و صهیونیست ها و ...

(۱) خامنه ایی در نماز جمعه ۹۹ را

جامع انسانی طی روند تکاملی خود، فراز و نشیبای مختلی را از سر گذرانده است. در این رهتکردن، جوانهای شکل گرفته و رخدادهایی به وقوع پیوسته که دقت روی آنها می تواند تجارب گرانبایی به ارمغان آورد. بدون شک اشتراک عمل و اختلاف نیروها، آزادی و توسعه اجتماعی، بنیادی ترین نیازهای مقطع کوتني حیات اجتماعی ما را تشکیل می دهد. در راستای پاسخگویی به این نیازها هی کوشید در هر شماره با گزینش فرازی از تاریخ ایران یا جهان، مسئلی فرآ راه تلاش عمومی و مفترکمان برافروزمند.

«از تاریخ پیاموزیم»

گرینش مطالعه از کتابهای مختلف در اینجا، فقط از جنبه آموزش تاریخی آن مورد نظر بوده و به معنی تأسیس همه آنها نست.

اشارہ

در این شماره دو مین قسمت از کتاب «تاریخ قرن هیجدهم، انقلاب کبیر فرانسه و امپراتوری ناپلئون» از نظرتان می‌گذرد که به وقایع آن دوره رویسیه می‌پردازد. این کتاب تالیف آبریماله - ژول ایزاک و ترجمه رشید قاسمی است.

امپراطوری روسیه در قرن هیجدهم

ابتدا بشمشیر پطر کبیر رشته اقتدار سوئد را در سواحل بحر بالتیک از هم گسیخت، سپس به تدبیر کاترین دوم دولت لیستان را از صفحه سیاست محور کرد. پطر کبیر در حینی که روسیه را از حیث سیاست قرنی دول اروپایی می نمود جد بليغ داشت که رسوم و اخلاق ملت را کاملاً تغییر بدهد و تمدن اروپایی را بر اهل روسیه تحمیل کند. کاترین دوم کارهای پطر را تعقیب نموده به اتمام رسانید.[...]

ترسانیله و برای ملل مسیحی خطری عظیم محسوب می شد با آنکه دویست سال تفوق خود را نگاهداشت در این قرن رو به ضعف و انحطاط گذاشت. سومین مسلکتی که در این عصر ضربت مهلک یافت لهستان بود که همسایگانش پروس و روس و اتریش آنرا تجزیه و تقسیم کردند.

روسیه که قبل از قرن هیجدهم در ردهیف دول آسیایی محسوب می گشت در عهد سلطنت خاندان رومانوف در صدر وصول به اتحاد ایالات آمریکا و ایران

در قرن هیجدهم نقشه سیاسی و توازن دول اروپای شمالی و شرقی کاملاً دیگرگون گردید و کمتر می توان در تاریخ واقعه ای نشان داد که از حیث اهمیت و عظمت با این وقایع برابر کند. دو دولت یعنی روسیه و پروس قدم در مدارج ترقی نهادند و دو دولت دیگر یعنی سوئد و ترکیه روی ب نقص و انحطاط گذاشتند. سوئد که در اواسط قرن هفدهم بر مالک اطراف بحر بالتیک تسلط یافت و قریب پنجاه سال به زحمت بسیار این

مقاصد پڑھ

تبرگ محاسبه را از دست داد. حسابی هم
همنوش دول معظمه کردید. آن دوست پس از
که از اوآخر قرن پانزدهم به بعد چشم اروپا را
طی دو مرحله بسر منزل مقصد نایل شد:
اسامی، ترسن و قاسم دوره جوانی، و مهمترین

نکرده است در این کلام که گوید: جنگ پولتاوا در تاریخ مبدأ جدیدی محسوب می شود.

بنای سن پطرزبورگ

یکی از یادگارهای پطر شهر سن پطرز بورگ است که به تنهایی حکایت از عزم راسخ و اراده قوی و میل عمران و مقاومت با حوادث و ناملایمات طبیعی و سیاسی این تصار بزرگ می کند و اگر بدیده عبرت در آن پایتخت جدید بنگردند خلاصه ایست از تمام کارهای پطرکبیر.

محلی که پطر برای بنای شیر جدید معین کرد عبارت بود از زمینی در ساحل دریای بالتیک و سر راه اروپا و در اراضی که تازه از دشمن گرفته بود روی جزایر پست و فرورفتہ که شعب پراکنده رود نوا در آنجا به دریا می ریخت.[...]

عمله های نخستین که عبارت بودند از چهل هزار رعیت که به جبر از دهات گرفته بودند شب بی غذا در زیر آسمان می خوابیدند و یکهزار یکهزار تلف می شدند و دایم مامورین بجای آنها رعیت تازه نفس بکار و میداشتند. ساختمان شهر در سنه ۱۷۰۲ شروع شد و تا آخر عهد پطرکبیر دوام داشت. چنانکه گفته اند این شهر «به ذور حکم و صدور فرمان» از خاک بالا آمد. عمارت این پایتخت ابتدا همه از چوب بود و تصار یک خانه چوبین به طرز اینه هلنی برای خود ساخت اما چیزی نگذشت که فرمان صادر شد هر کس در شهر سن پطرزبورگ بنایی به غیر از سنگ بازد محاکوم به تبعید خواهد شد. هر یک از ملاکین بایستی در آنجا عمارتی دو طبقه بنگذارند. هیچ کشته را به آن حدود راه نمی دادند مگر اینکه مقداری سنگ بنا آورده تحويل نساید. تصار خودش هم دو قصر دستور داد بسازند و

بنادر بالتیک را به او واگنارد. اما شارل در پاسخ گفت: «در مسکو قراری خواهیم داد.» پس پطر همان خدنه ای را که چندی بعد

در (۱۸۱۲) اخلاقش نسبت به ناپلئون کردند پیش گرفت. یعنی از جنگ روی برگردانده بداخله روییه گریخت و در راه هر چه آذوقه که حملش مقدور نبود ضایع کرد و چیزی از پس خود بجای نگذشت. لشکر سوتند بی آذوقه و بی منزلگاه مراحل دراز می پیمودند و درمانده و مغلوب می شدند.[...]

زمستان معروف ۱۷۰۹ در روییه بسختی هرچه تامتر شروع گردید. هزاران نفر از لشکر سوتند تلف و تمام اسپان قشون هلاک شد و توب ها در صحرا ماند بجز چهار عدد که هر قسم بود با خود می برند. وقتی که این لشکر درمانده و خسته بیای قلعه پولتاوا رسید بیش از ۱۹۰۰ تن از آن باقی نبود. (مده ۱۷۰۹) پطر با شصت هزار نفر و ۷۶ توب در رسید و روز هشتم زوییه ۱۷۰۹ جنگی خوبن و صعب روی داد. تصار شخصا ریاست فوج پیاده را داشت و جانبازی میکرد. لشکریان سوتند که با روشنان تمام شده بود بجنگ تن بتن و سرنیزه و شمشیر پرداختند و در اندک وقتی همه یا کشته و یا اسیر گشتهند. خود شارل در این جنگ شرکت نداشت چرا که ده روز قبل گلوله پاشنه پایش را شکسته بود و نمی توانست سوار شود. از بیم گرفتاری جمعی از سپاهیان او را بر چهارچوبی نهاده به تزدیکترین سرحدات خاک عثمانی که (یندر) نام داشت رسانیدند. شارل پنج سال در این مکان توقف نمود (۱۷۰۹).

حادثه تغییر دهنده زندگانی او محسوب می شود. از این اروپاییان کمی لفت آسمانی و هلنی و قدری از مبادی حساب و هنسه و سایر علوم را آموخت و این معلومات دریچه ای از تمدن مغرسی بسر روی او بساز کردند بتسمیکه مغز جوان او فریفته شد در همان اوقات با خود عهد کرد که حتی الامکان بهتر با آن تمدن درخشنان آشنا شود و ملت نیمه آسیایی خود را هم طوعا و کرها همنگ اروپاییان سازد.

محض حصول به این مقصد بایستی روییه به سهولت و آزادی کامل بتواند با مغرب زمین مرتبط گردد. لکن دولت سوتند ایالات لیونی و استونی و انگلی و کارلی و فنلاند را در تصرف داشت و میان روییه و بحر بالتیک حایل بود. دولت عثمانی نیز مصب رود دنبیر و رود دون را متصرف بود و مانع از ورود کشتی روییه به بحر سیاه می شد. لهستان هم روییه را از اروپای مرکزی جدا می ساخت. پطر کبیر می گفت از میان یکی از این سه دیواریکه سوتند و عثمانی و لهستان بین ما و اروپا کشیده اند بایستی «پنجه ای باز کنیم».

پس انجام دو کار لازم بود: تبدیل کیفیتیات داخلی و تغییر اوضاع خارجی روییه و پطر در مدت سی و شش سال سلطنت (۱۶۸۵-۱۷۲۵) هم خسود را مصروف نمود که این دو مقصد را با هم پیش ببرد و هر دو را یکدفعه قرین انجام سازد.[...]

حمله به روییه – پولتاوا

این حمله در ژانویه ۱۷۰۸ شروع شد. شارل [پادشاه سوتند] با ۳۳ هزار نفر روی به روییه نهاد. پطر درخواست صلح کرد و متعهد شد که تمام ایالات مقتوه را به شارل پس بدهد مشروط بر اینکه بندri از

کمتر جنگی چنین نتایج مهده داشته است. به یک ضربت شوک و قدرت سوتند بخاک افتاد و دیگر برخاست و روییه نخستین دولت اروپای شمالی و خطرناکهایی ممالک اروپا گشت. آنفر رامبو مبالغه

تشکیل این هیات را اهمیت بسیار داده در عالم مشهور نمود. دستور این هیات تبیه قانونی مبتنی بر اصول آزادی و حریت مذهبی و مساوات اجتماعی بود که فلاسفه و مولفین دایره المعارف فرانسه مبلغ و ناشر آن محسوب میشدند. کاترین شخصاً مقدمه ای بر این قانون نوشته بود بنام «دستور که مطالبش مساخوه از کلمات موتتسکیو فرانسوی و بکاریا ایتالیایی بود مثلاً این عبارت «ملت برای سلطان نیست بلکه سلطان برای خدمت او است، مساوات افراد ملت یعنی مطیع بودن بقانون واحد».

سیاست خارجه

اهمیت و عظمت دوره سلطنت کاترین در سیاست خارجه اوست. کاترین به متابعت پظرکبیر همت برآن گذاشت که روسیه را به اروپای غربی نزدیک کند. عثمانی و لهستان را که چون سدی سدید میان روسیه و اروپا حایل بودند از میان برداشته و مملکت را از طرف جنوب به دریای مدیترانه و از جانب مغرب به اطریش و آلمان برسانده. همانطور که غالبه بر سوئد پظرکبیر را دارای «جلوخانی» مشترف بریحریمالیک ساخت در زمان کاترین دوم هم روسیه دارای «جلوخان» دیگر شد و پس از تجزیه دولت لهستان که میان پروس و اطریش و روس تقسیم گردید (۱۷۹۵-۱۷۷۲) کاملاً با اروپای مرکزی ارتباط و اتصال یافت.[...]

کاترین در سن ۶۷ سالگی سکته کرد و مرگ او مصادف شد با ۱۷ نوامبر ۱۷۹۶ که ناپلیون بناپارت به فتح معروف آرکول نایل آمد. در عهد سلطنت این ملکه روسیه از سمت جنوب و مغرب مالک اراضی وسیعی شد که جمعاً وسعت آن با خاک فرانسه برابر و جمعیتش قریب هفت میلیون بود.

(ادامه دارد)



کاترین دوم ملکه روسیه (۱۷۹۶ - ۱۷۷۹)

از خواب بیدار نکنند خود چراغ را روشن می ساخت و هیچ وقت از خاطر نمی برد که هنگام دخول به روسیه از خانم های درجه ادنی و مبتلا به فقر و فاقه بوده است و اظهار خضوع و فروتنی کامل می کرد. از این جهت ملازمانی که در خدمتش محرومیت داشتند بشوق هر چه تمامتر به او خدمت می کردند و فدایی او محسوب می شدند. کاترین معلومات کافیه داشت. چون یکنفر زن فرانسوی به نام مادموالز کاردل او را تربیت کرده بود با ادبیات فرانسه مانوس و به نویسنده‌گان فرانسه عاشق شد. در لیاقت حکمرانی هم از هیچیک از معاصرین خود مثل فردیسک دوم و ماری ترز و ژوزف دوم عقب نمی ماند. گاهی در روز پاتزده ساعت کار می کرد و در تمام مدت سلطنتش به قول یکی از شعرای روسیه «دینه بانی بود که هیچ وقت عوض نمی شد.»[...]

کاترین در سالهای اول سلطنت خود (۱۷۶۷) هیاتی مرکب از ششصد نفر ناینده جمیع طبقات و اصناف روسیه فراهم آورد و

یکنفر معمار فرانسوی با حقوق سنجین استفاده شد که شهر جدید را از هر حیث با شکوه و عظمت نماید.

کاترین ۹۵

کاترین دوم در سی و سه سالگی پادشاهی رسید و سی و سه سال هم سلطنت را دارد (۹ ژوئیه ۱۷۶۲ - ۱۷ نوامبر ۱۷۹۶). هوشی سرشار و جسارت و عزمی بکمال و حرص و جاه طلبی فوق العاده داشت. در اوقاتی که ملکه الیزابت حیات داشت و کاترین زن ولیعهد بود بخيال سلطنت افتاد و به سفیر انگلستان چنین می گفت: «من مصمم شده ام یا بسیم یا به سلطنت برسم» پس جد بليغ می کرد که نسب آلمانیش را مستور داشته خود را محبوب القلوب روس ها کند. عاقبت به مقصد نایل شد و این زن آلمانی از تمام ملکه های روسیه روسی تر گردید.

کاترین در زندگانی بسیار ساده بود، اغلب محض اینکه زن خدمتکار را صبح زود

حاطرات

﴿افق﴾

اولین و دومین جسد بنظر می‌رسید که متعلق به دو زن است. بعد دیدم آن دو مرد رفته‌ند و دو جسم کوچک کفن شده دیگر را هم آوردند.

پاسدارها مشغول کنترل اطراف و شوخی و خنده بودند و تبر کنها مشغول دفن اجداد و من در انکار خود، که ناگهان دستی به پشم خورد. با وحشت سرم را برگرداندم! خانمی را دیدم که اشک از دیدگانش سرازیر

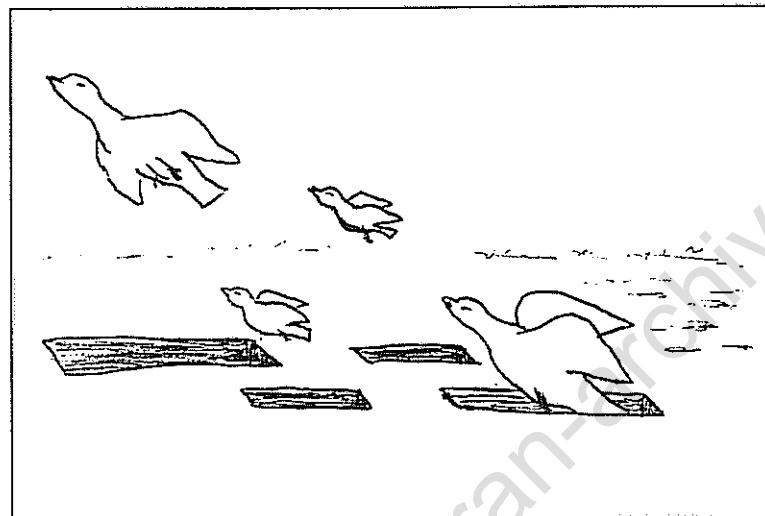
خود را بیشتر در چادر سیاه پنهان کنم. در حالیکه از ترس دستگیری کسی کنترل خود را از دست داده بودم، به سختی به خودم مسلط شدم و آرام آرام از تبرها فاصله گرفتم. خودم را به پشت دیوار کوتاه

آبان ۱۳۷۷ ساعت یازده شب طبق معمول بعد از کار سخت روزانه به رختخواب می‌روم.

سعی می‌کنم بیلون یاد از گذشته بخواهم، هنوز پلک هایم را روی هم نگذاشته ام که باز هم نوار بیست ساله حاکیت رئیس خیینی همچون فیلم سینمایی در مقابلم ظاهر می‌شود. اکنون هفده سال است که هر شب این فیلم برایم تکرار می‌گردد. عجب فیلم پر ماجرا و تکان دهنده‌ای. هنوز هم در تاباوری از آنچه با دیدگانم دیده ام به سر می‌برم.

فیلم به سرعت در مخیله ام تکرار می‌شود. اکنون به آبان ۱۳۶۰ رسیده‌ام. آن روز به قبرستان تخت فولاد اصفهان، واقع در میدان فرودگاه رفته بودم تا بار دیگر با پاکانی که همه روزه به دست جنایت پیش‌گان خمینی در زیر شکنجه به شهادت می‌رسیندند، حلق آویز یا تیریاران می‌شنندند، عهد و پیمان وفا بینند.

آرام و بیهوده به انبوه قبرها نگاه می‌کرد، تقریباً همه را می‌شناختم. بی اختیار اشکم سرازیر بود و فریاد می‌زدم آخر به چه گناهی شما را کشته‌اند. به هر طرف که نگاه می‌کردم چهره‌ای جوان، شاد، بشاش و مملواز عشق به انسانها در برایم مجسم می‌شد. شعله های فروزانی که حالا چقدر آرام خوابیده بودند تا خمینی هر آنچه که می‌خواهد ستم و غارت کند و خود و دارودسته‌اش را راضی نگهدازد. در این اندیشه بودم که ناگهان ماشین سپاه پاسداران را دیدم که از جلو می‌آید و ماشین نعشکش از عقب آن سعی کردم



بود. او گفت خانه ما همین اطراف است. اشاره به پاسدارها کرد و گفت: "این آنجا ایستادم، تقریباً در دریست متی از ماشینها قرار داشتم و تا حدود زیادی می‌توانستم از بین آجرهای در آسمه از دیوار، آنها را ببینم. از دور دو تبر کنده شده به چشم می‌خورد. دو پاسدار در حالی که اسلحه‌های خود را آمساده شلیک نگهداشته بودند، این طرف و آنطرف قبرها ایستاده و با اشاره دست به دو مرد دیگر که

ظاهرا قبرکن بودند دستوراتی دادند. در این حین دو پاسدار مسلح دیگر هم از ماشین پیاده شدند. یکی به درب ماشین تکیه داد و ایستاد و دومی آمد کنار یکی از آن دو پاسدار ایستاد و با دقت اطراف را زیر نظر گرفت. آن دو مرد به خارج کردن جسدیها از ماشین و گذاردن آنها در قبر مشغول شدند.

در همین موقع پاسداری که پهلوی ماشین ایستاده بود رو به آن سه نفر دیگر کرد و چیزی گفت و سوار ماشین شد. آن سه پاسدار هم خود را به او رساندند و سوار ماشین شده از آنجا دور شدند. با رفتن پاسدارها من و آن خانم رفته‌یم نزدیکتر و کنار قبرها ایستادیم. کار قبر کنها تقریباً به

نمايشنامهٔ نگين

نظم نوین ارتجاعی امپریالیسم

«م - ح پیوند»



در مدت کوتاه اخیر، رابطه ترکیه و اسرائیل با قراردادهای نظامی و امنیتی شکل نوینی بخود گرفت و در راستای همین پیمان فضاختبار نظامی‌گرایان ترکیه با اسرائیل بود که این تراژدی ضدبشری به وقوع پیوست. اجوبت (نخست وزیر ترکیه) در مقابل این سوال که چه کشورهایی در امر دستگیری و انتقال اوجالان دست داشته اند گفت: «نمی‌تواند در این صورت چیزی بگوید... ولی خود شما می‌توانید حدث بزنید»(۲)

در این ماجرا اروپا چشمان خود را بست و از دایسه سیاستهای ضدخلقی امپریالیسی کوتاه نیامد. اولین کشوری که خشنودی خود را ابراز کرد امریکا بود بطوریکه رسمًا گفته شد: «دولت امریکا از اعلام خبر دستگیری عبدالله اوجالان استقبال و اظهار خشنودی کرده است»(۳). ورود اوجالان به اروپا فرصتی بود که اتحادیه اروپا در جهت حل مسئله کرده و پاسخ به انکار عمومی جهان گامهایی مشبّت بردارد و حقوق خلق را در کسب مسالت آمیز آن یاری نماید ولی اروپا در چنین شرایط بینه ای چهاتداری امریکا را تقویت کرد و از چنین مستولیتی طبق انتظار، شانه خالی نمود کما اینکه آن موقع هم که هزاران کرده با روستاهایشان در آتش نظامیان ترک کشته شده و می سوختند صرفا به محکومیت صوری و بازی با

تعدادی از کشورهای جهان در دهه های اخیر برای خود قلمروی از صلح و آرامش ایجاد کرده اند و در زیر سایه آن همزیستی مسالت آمیزی را بینان نهاده اند. این کشورها دچار این توهم هستند که این امنیت و آسایش جاودانیست. بلوک یکطرفه امپریالیسم اما در این میان بیشتر از همه سرمیت از این توهم، باد به غبغب دارد و مشغول طرح ریزی انواع خیانتها و جنایتها با شعار توخالی رعایت حقوق بشر ولی با الفاظ کنه و ارتجاعی خرابکاران و تروریستها هستند. امپریالیسم سیاستی است مبتنی بر هدف سود و چپاول ولو به بهای کشتار و ویرانی نقطه ای از جهان و انسانهای ساکن آن باشد. پایه اصلی چنین سیاستی مداخله در هر سوریه به نفع خود و رژیمهای مزدور به عنوان اقمار امپریالیسم است. در زمان شاه نیز چربکهای مسلح، تروریست و خرابکار به مردم معرفی می شدند. حالا نیز از آنجا که ارتجاع در همان فاز به پس می رود تسامی مبارزان در سطح جهان را که برعلیه دیکتاتوریهای اقماری و سورد پسندشان مبارزه می کنند خشونتگرا و تروریست نام نهاده و خود در قلمرو امنیت و آسایش عمومی بالنسبه غوطه ورنند. در سایه همین امنیت اجتماعی در کشورهای خودشان و در عوض ناامنی و سرکوب و جنایات در بلوک اقماری خود، تعداد زیادی از افراد ملل استبداد زده مجبور شده اند در همان کشورهای امن حامی رژیمهای مستبد، آواره و پناهندگ شوند. تراژدی پناهندگی هر از چند کاهی در رابطه با کشور استبداد زده ای رخ داده است. اکنون نمونه بارز چنین تراژدی اسفناک انتقال توطئه آمیز و خیانتبار عبدالله اوجالان رهبر جنبش کردستان ترکیه به رژیم نظامیگرا و در شرایط فعلی دولت سوسیال! فاشیست آن کشور است.

در دستگیری و انتقال اوجالان سرویسهای مخفی اسرائیل و امریکا دخالت و نقش بالایی داشته اند. روزنامه گاردن از جمله اشاره می کند به «چاپ مقاله ای در روزنامه نیویورک تایمز در اوایل ماه فوریه که در آن گفته شده بود دیلماتها و منابع اطلاعاتی امریکا و اسرائیل در پی یافتن رد عبدالله اوجالان هستند که دریی تهدید ترکیه به حمله به سوریه از این کشور خارج شده است»(۱)

داده و چندین سال از عمر خود را نیز در زندانهای ترکیه می‌گذراند. وی مدتی را نیز پس از خروج مخفیانه از ترکیه در سوریه و لبنان سپری می‌کند. اخیرا در اثر فشارهای سوریه که رژیم نامطمئنی دارد و امتحانش را بارها از جمله در جریانات مختلف فلسطین با همسوی رژیم ضدخلقی ملایان، نشان داده است. وی از آن کشور اخراج و مدتی را در روسیه و ایتالیا و ... آواره و سرگردان می‌ماند تا اینکه خبر پناهندگیش در سفارت یونان در کنیا پخش نمی‌شود. خیلی جالب است بعد از خروج اوجالان از سوریه و استقرار در ایتالیا، رسانه‌ها از جمله اعلام کردند که ترکیه با خروج اوجالان از اروپا و استقرار وی در یک کشور افریقایی موافق است که عمق و استراتژی خیانت و تراویذ فعلی را بوضوح نشان می‌دهد. کیا کشوری است که بعد از انفجار سفارت امریکا در آنجا کاملاً در حیطه نفوذ امنیتی امریکا قرار داشت در همین راستاست که نایشانه ننگین و آغشته بر ضدیت با مبارزه جویی و حق مقدس پناهندگی، به ریاست! امپریالیسم کارگردانی شد. حاصل این نوع کارگردانی جنایتکارانه شکنجه و درهم شکستن فرد دستگیر شده است که اوجالان در ریف اول این ماحصل است. یک صاحب نظر آلمانی می‌گوید؛ «تا بحال سابقه نداشته است که یکی از اعضای حزب کارگران کرد ترکیه بدون شکنجه در مقابل قصاص قرار گیرد این آسانی متذکر شده است که ترکها شیوه‌های شکنجه ای را به کار می‌گیرند که اثرباری از خود بر جای نمی‌گذارد»^(۹)

اکنون رژیم نظامیگرای ترکیه با تبلیغات عوام‌گردانی و سرمایت از پیروزی؛ بدست آمده بکمک امدادهای غیبی سرویسهای جاسوسی امریکا و اسرائیل در برابر طوفان افکار عمومی خلقهای جهان قرار گرفته است؛

۱- تظاهرات و اعتراضات توده‌های کرده در سراسر جهان و داخل ترکیه حکومت نظامیان آنکشور را با مشکلات جدی امنیتی و فشار فزاینده افکار عمومی جهانی قرار داده است.

۲- اگر محاکمه اوجالان علی شود تمام توجهات جهانی متوجه نهود اجرای موازین حقوق بشر دولت آنچه خواهد بود برویه اینکه ترکیه سالهاست برای عضویت در اتحادیه اروپا در انتها صفت درجا می‌زند.

۳- در صورت اعدام اوجالان امکان شکلگیری اتفاق افراطی دیگری در این سمت از جهان نباید دور از انتظار باشد. در طول تاریخ، مبارزات با اعدام و سرکوب مسیر دیگری را در جهت تکاملیش پیموده است.

كلمات تروریسم و غیره در عملی شدن جرم‌های جهان‌خوارانه امپریالیستی شریک می‌شد.

اکنون اعتراضات کردها سراسر دنیا را درنوردید و در یک مورد اعلام شد؛ «۳تن، دو مرد و یک زن از کردهای معترض در جلو کنسولگری اسرائیل در برلین آلمان به ضرب گلوله‌های نیروهای امنیتی اسرائیل کشته شدند و ۱۴ نفر زخمی شدند»^(۱۰) و تازه طلبکارهای بودند که «چرا افراد گارد محافظت کنسولگری نتوانسته اند به وظیفه خود عمل کنند»^(۱۱). مورد دوم در مقابل کنسولگری ترکیه در ارومیه اتفاق افتاد «در جریان حمله تظاهرکنندگان به ساختمان کنسولگری ترکیه در شهر ارومیه دو تن از جوانان کشته شدند»^(۱۲) و ...

جالب توجه و حائز اهمیت است بدانیم که درست همزمان با انتقال اجباری اوجالان به ترکیه، «به گزارش خبرگزاری رژیم در روز ۲۷ بهمن، مطیع، مدیر کل امنیتی کشور، پس از دیدار با سامی سولمز، معاون قاتم مقام وزیر کشور ترکیه، اعلام کرد که رژیم تا کنون عده ای از افراد پ. ک. ک. را دستگیری و به ترکیه تحويل داده است...»^(۱۳).

طبق گفته رسانه‌ها از جمله بزرگترین تظاهرات در شهر آن پایتخت یونان صورت گرفت «دیشب تظاهرات بسیار عظیمی در مرکز شهر آتن پرگزار شده بود که طی آن دهها هزار کرد و یونانی برای ابراز خشم خود (در مورد دستگیری) عبدالله اوجالان و آنچه کوتاهی دولت یونان در حفاظت از وی می‌خواستند به خیابانها ریخته بودند... تظاهرکنندگان خشنگی‌بسوی پلیس سنگ پرتاب کردند و پرچم‌های ترکیه، اسرائیل و عکس «بلند اجویت» نخست وزیر ترکیه را به آتش کشیدند... عکسهای بزرگ عبدالله اوجالان همه جا به چشم می‌خورد. تظاهرکنندگان فریاد می‌زدند؛ زنده باد اوجالان... اتحادیه اروپا همگی جنایتکار هستید...»^(۱۴)

اوجالان رهبر حزب کارگران کرد معروف به p.k.k است. این حزب در سال ۱۳۵۷ بعد از فرازونشیب فراوان در مبارزات خلق کرد و نامید شدن از شیوه‌های رایج، تاسیس، و مشی مبارزه مسلحه با خواسته کشور مستقل کرده را آغاز کرد. ولی علیرغم بهانه‌های سرکوب‌گرانه رژیم ترکیه، پ. ک. ک. در سالهای ۱۳۷۱ و ۱۳۷۶ از آتش بس یکجانبه اعلام کرد که هر دو بار توسط دولتها وقت ترکیه را گردید.

بیش از ۱۲ میلیون کرد در ترکیه زندگی می‌کنند که شامل یک پنجم جمعیت کل آن کشور است و لی هویت نژادی و فرهنگی آنها در هیچ زمینه‌ای هرگز برسیت شناخته نیشود. اوجالان از دوران جوانی مبارزات خود را شروع و در رشته علم سیاسی ادامه تحصیل

تصرف مردم درآمد که تا ساعت ۲ بعدازظهر
ادامه داشت.

اقتصادی - اجتماعی رادیو اسرائیل ۲۰ آذر:

روزنامه های تهران امروز خبردادند که در شهرک... کرج پسری حمه ۱۱ فروردین، نوشهر و همسرش را به آتش کشید و آنها را به کام مرگ فرستاد تا به زندگی مشقت بار آنان پایان بدهد و خود از زیر بار ججالت آنها درآید. روزنامه های تهران نوشتند: که این مرد با نام جمشید صالحی بازنشسته اداره ثبت بود.

رادیو اروپای آزاد ۲۰ آذر:

(درخواست غله از طرف ایران) در ۲۳ آذر ماه به وزارت دارایی و خزانه داری امریکا ارائه شد. به نوشته واشنگتن پست ۴۰۰ هزار تن ذرت، ۳۰۰ هزار تن برنج، ۴۰ هزار تن شکر و ۲۰۰ هزار تن دانه روغنی، محصولات درخواستی ایران از امریکا هست... این درخواست خرد در بالاترین سطح حکومت ایران مورد تصویب قرار گرفته و در امریکا مورد حمایت ۱۰ انجمن تجارت کشاورزی و گروهی از نایاندگان کنگره است.

رادیو اسرائیل ۲۶ بهمن:

هفته نامه امید جوان در تهران فاش ساخت رهبر یکی از مهمترین شبکه های غارتگران اشیای عتیقه و آثار باستانی ایران در سالهای اخیر و مسئول انتقال این آثار به خارج از کشور و فروش آنها، یکی از بلندپایه ترین مقامات وزارت قیاده سازندگی بنام «عفتر یکانه اصل» بوده که مسئول امور بین المللی در وزارت جهاد سازندگیست.

بی بی سی ۳۰ بهمن:

(صحبتهای یک کارشناس از ایران): الان که یکی از مستولین نهضت سواد آموزی اعلام کرده است که درواقع بیش از ۵۰ درصد مردم ما بای بیسادند یا کم سواد، خودش مبین اینه که درحقیقت... پیشرفت اساسی که در مدنظر آنها بوده نشده (است).

میان پاسلاران و نیروهای امنیتی با اهالی روستاهای بابل ۳ تن کشته شده اند که دو نفر از آنان کودک بودند و همچنین ۲۰۰ تن بازداشت گردیدند. اعتراضی هسته هنگامی به اوج خود رسید که ساکنان شماری از این روستاهای در حومه شهر بابل در استان مازندران به اقدام حکومت اسلامی در دفن زیاله های خطرناک اعتراض کردند... کیهان در طرحی نیز محاصره روستاهای شمال توسط تانکهای نظامی را... نشان داد... کیهان در شماره امشب خود (اول اسفند) نوشت هنوز تعداد زیادی از زنان و مردان روستایی، در بازداشت قرار دارند... ماشینهای بی پر از شیشه به دستور مقامات به این روستاهای اعزام شده تا به سرعت شیشه های شکسته مساجد و ساختمانها را عوض کنند تا آثار ناشی از درگیری های یک هفته اخیر به جای نماند... .

رسانه ها ۲، ۳ و ۴ اسفند:

خبرهای رئیسه از ایران حاکی از آنست که بین تظاهرکنندگان در شهرهای کردنشین و پاسلاران درگیری گسترده ای روی داده است. روزنامه جهان اسلام دوم اسفند نوشت: دو نفر از جوانان در مقابل کنسولگری ترکیه در ارومیه کشته شده اند. بزرگترین درگیری ۴ بهمن در سنجق روی داد گروهی کرد ایرانی گفتند: مردم با شعارهای مرگ بر رژیم و مرگ بر خامنه ای و خاتمی، زنده باد آزادی و... خسرو و پاتریول پاسلاران، استانداری، اماکن مربوط به سپاه... را در هم کوییندند. هزاران نفر نیز در شهرهای ارومیه، مهاباد، سنجاق، کامیاران و... دستگیر گردیدند. سازمان مجاهدین خلق نیز دریانیه ای در ۴ بهمن خبر داد: دست کم ۱۸ نفر کشته، دهها مجروح و حدود ۲۷۰ نفر در سنجاق بازداشت شدند. به گزارش شورای ایامی مقاومت دست کم ۴۴ خودرو متعلق به رژیم به آتش کشیده شد و عملاً قسمتی از سنجاق به

تبیه کنریده ای از اخبار... / از صفحه ۷

یونسی در بخش دیگری از مصاحبه، مطالب مطرح شده درباره دخالت صهیونیستها را در قتلایی اخیر تکلیب کرد.

اعتراضات - سرکوب

رسانه ها ۱۲ بهمن:

طبق گزارش رسانه ها دو واحد نظامی مجاهدین خلق در ساعت شش و نیم عصر ۱ بهمن، ساختمان اصلی وزارت اطلاعات را در تهران با خبرهای مورد حمله قرار دادند. روزنامه صبح امروز (از طیف خاتمی) خبر داد که «دو انفجار در ساعت شش و نیم شب در حوالی ساختمان وزارت اطلاعات رخ داد و صدای انفجار در حوالی بزرگراه... در نزدیکی خیابان پاسلاران به گوش رسیده است». رادیو امریکا گفت: «یک گروه مخالف می گوید که با خبرهای وزارت اطلاعات را مورد حمله قرار داده است. سازمان مجاهدین خلق گفت: که حملات آنان واکنشی است نسبت به کشته راهی سیاسی در ایران و خارج از ایران که وزارت اطلاعات در آن دست داشته است».

رادیو اروپای آزاد ۲۳ بهمن:

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران دادگاه عمومی تهران غلامحسین ذاکری مدیر نشریه آرینه را به اتهام نشر اکاذیب، تشویش افکار عمومی و اصرار در چاپ مطالب و مضامین خلاف عفت عمومی به پرداخت ۹ میلیون ریال جزای تقاضی و لغو دامن پروانه نشریه محکوم کرد. به گزارش روابط عمومی دادگستری تهران انگیزه صدور این حکم از جمله چاپ مقاله ای با عنوان «شادی در شهر ما گم شده، خندیدن گشته» در شماره ۱۲۸ این نشریه بوده است.

رادیو اسرائیل ۳۰ بهمن و اول اسفند: سازمان مجاهدین خلق در بیانیه ای که امروز منتشر کرد نوشت: «در جریان درگیری

توطئهِ ربودن عبداله اوجالان را محکوم می کنیم

ای گفت؛ ... او حالا زیر شدیدترین شکنجه های وحشیانه خواهد بود....

در ژانویه ۹۸ ملاقات‌پایی بین مقامات (ارشد) ترکیه و اسرائیل صورت گرفت. دستگیری عبداله اوجالان توسط موساد در صدر قراردادهای آنها قرار داشت (تفسیر تلویزیون اروپی) و بعد از آن دیدار بود که در سال گذشته چانشین اوجالان دستگیر شده و محاکمه گردید. خلاصه موساد بدنبال مرد شماره یک چریکیای کردستان ترکیه بود که این خواست رئیس ترکیه روز سه شنبه ۱۶ فوریه عملی شد و این چنین وابستگی دو رئیس فاشیست و سرکوبگر به امریکا نمایان می گردد.

روز سه شنبه ۱۶ - ۲ - ۹۹ عبداله اوجالان رهبر کارگران کردستان ترکیه با همکاری مشخص توسط سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل (سازمان موساد) و رئیس دست نشانه ترکیه و دخالت امریکاییها روده و تحويل ترکیه داده شد. اوجالان طی چندین ماه تلاش برای پناهنده شدن به یکی از کشورهای اروپایی به ایتالیا و یونان و چند کشور دیگر رفته بود که هیچکدام از کشورها با همکاری همدیگر به او پناهندگی نداده بودند ولی یونان او را بطور موقت در سفارتخانه خود در کشور کنیا نگهداری می کرد تا عازم کشور ثانی شود! در حالیکه اوجالان از سفارتخانه یونان در شهر نایروی (پایتخت کنیا) راهی فرودگاه برای پرواز بسوی آمستردام بود توسط شبکه جاسوسی موساد شناسایی و

ما ضمن محکوم کردن دستگیری اوجالان که برای آزادی کردهای ترکیه مبارزه می کرد و اتحاد شوم اسرائیل، ترکیه و امریکا در پشت این جنایت آشکار، خواهان آزادی بدون قید و شرط او هستیم و معتقدیم مسائل مورد اختلاف کردهای ترکیه و دولت این کشور باید در یک مجمع بین المللی و تحت نظارت سازمان ملل مورد بررسی و قضایت قرار گیرد.

ما ضمن محکوم کردن دستگیری اوجالان که برای آزادی کردهای ترکیه مبارزه می کرد و اتحاد شوم اسرائیل، ترکیه و امریکا در پشت این جنایت آشکار، خواهان آزادی بدون قید و شرط او هستیم و معتقدیم مسائل مورد اختلاف کردهای ترکیه و دولت این کشور باید در یک مجمع بین المللی و تحت نظارت سازمان ملل مورد بررسی و قضایت قرار گیرد.

راستی چه کسانی می خواهند اوجالان را محاکمه کنند در حالیکه همه می دانند ترکیه هزاران هزار کرد بسی گناه را در سختترین شرایط در ترکیه و مرزهای ایران و عراق زیر شدیدترین بمباردمانهای خود قرار داده و فشارهای اقتصادی را بر آسان تحمیل کرده و میکند. دولت ترکیه طی چندین و چند سال هزاران نفر از خلقهای کرد را از زمین و هوا به رگبار بسته و مستولین این جنایات جز رئیس وابسته گرای ترکیه کس دیگری نمی باشد و بعد از این هم اوجالانهای دیگری از حقوق حقد کردها دفاع خواهند کرد.

«جمعی از پناهندگان سیاسی آلمان و هلند»

ربوده می شود و با یک عمل خانشانه به دولت فاشیست و دست نشانه ترکیه تحويل داده میشود.

رئیس ترکیه در خواب هم نمی دید که عبداله اوجالان به یک باره در اختیار آنها قرار گیرد و را در مقابل دورین های تلویزیونی جهان آچنان بیرحمانه و وحشیانه مورد ضرب و شتم قرار داده که مردم جهان را به حیرت و ادانته بود. ترکیه که خط و ریشه را از موساد گرفته بود چشمها اوجالان را بسته و بر سرورویش چسب زده و از ترس، بر سرشن کلاه فرو برده و دستهایش را با دستبندهای بسته بودند که تمامی مفسران و گوارشگران رادیو و تلویزیونی را به واکنش واداشت. رئیس ترکیه از ترس هواداران اوجالان، او را مستقیماً به جزیره ای واقع در دریای مرمرة ترکیه برده اند تا خبرهای تازه ای در رابطه با اوجالان به بیرون درز پیدا نکند.

بدنبال دستگیری اوجالان رهبر گروه چریکی کردستان ترکیه ۳ تن از وکلای وی که به ترکیه رفته بودند از فرودگاه استانبول طبق دستور دولت فاشیست ترکیه به هلند بازگشته و لی وکلای اوجالان در خواست دادگاه علنی کردند. یکی از وکلای اوجالان طی مصاحبه

عبدالقادر مبارك

گزیده هایی از

تقویم تاریخ

- | | | |
|---------------|---|---|
| ۱۱ بهمن؛ ۱۳۵۰ | شهادت احمد رضائی، اولین شهید سازمان مجاهدین خلق؛ ۱۳۵۲ | گریه هایی از قصه هایی تاریخ دی؛ ۱۳۷۳؛ ۲ |
| ۱۲ بهمن؛ ۱۳۵۲ | بازگشت خسینی به ایران؛ ۱۳۴۹ | مجمع عمومی ملل متحد نقض شدید حقوق بشر در ایران را محکوم کرد. |
| ۱۳ بهمن؛ ۱۳۶۰ | حاسه سیاهکل ندانیان خلق؛ ۱۳۶۰ | درگذشت نیما یوشیج، بنیانگذار شعر نو در ایران؛ ۱۳۵۷؛ ۱۶ |
| ۱۴ بهمن؛ ۱۳۶۰ | شهادت موسی خیابانی راشرف ربیعی، به همراه جمع دیگری از مجاهدین؛ ۱۳۵۷ | سقوط دولت نظامی ازهاری و تشکیل کابینه توسط شاهپور بختیار؛ ۱۳۴۶؛ ۱۲ |
| ۱۵ بهمن؛ ۱۳۶۰ | پیروزی انقلاب ضد سلطنتی و آزادیخواهانه مردم ایران؛ ۱۳۵۷ | شهادت جهان پیلوان، غلام رضا تختی؛ ۱۳۲۰؛ ۱۸ |
| ۱۶ بهمن؛ ۱۳۶۰ | اعدام خسرو گلسرخی و کرامت الله دانشیان توسط مردوان محمد رضا شاه؛ ۱۳۵۶ | شهادت میرزا تقی خان امیر کبیر؛ ۱۳۵۷؛ ۲۲ |
| ۱۷ بهمن؛ ۱۳۶۰ | قیام خونین مردم تبریز که در تداومش انقلاب ۵۷ به نتیجه رسید. | تشکیل شورای انقلاب!! توسط خسینی؛ ۱۳۵۷؛ ۲۶ |
| ۱۸ بهمن؛ ۱۳۶۰ | انجام کوتای انگلیسی توسط رضاخان صیر پنج استند؛ ۱۳۶۴ | خرج زیونانه محمد رضا شاه از کشور؛ ۱۳۷۲؛ ۲۹ |
| ۱۹ بهمن؛ ۱۳۶۰ | درگذشت انتقامی بزرگ لنین؛ ۱۳۶۴ | شهادت کشیش هوسپیان مهر بست عمل ارجاع حاکم؛ ۱۳۵۷؛ ۳۰ |
| ۲۰ بهمن؛ ۱۳۶۰ | ترور مهاتما گاندی رهبر ضد استعماری هند؛ ۱۳۶۵ | آزادی آخرین گره از زنانیان سیاسی رژیم شاه (نفر)؛ ۱۳۶۲ |
| ۲۱ بهمن؛ ۱۳۶۰ | ترور مالکوم ایکس یکسی از رهبران جنبش سیاهپستان آمریکا؛ ۱۳۶۵ | ۱۳۷۳ دی؛ ۳۰ |
| ۲۲ بهمن؛ ۱۳۶۰ | روز چهانی مبارزه با بیماری جذام؛ قبل درمان این بیماری غیر ممکن به نظر میرسید ولی امرور مسئول سازمان بهداشت جهانی می گردید؛ | درگذشت مهندس مهدی بازرگان، بنیانگذار نهضت آزادی ایران و اولین نخست وزیر پس انقلاب (در سن ۸۸ سالگی)؛ ۳۰ دی؛ ۳۰ |
| ۲۳ بهمن؛ ۱۳۶۰ | مبارزه برای حصول سلامتی بیماران جنامی یکی از انتخابات سازمان بهداشت جهانی است. در حال حاضر ۲ میلیون نفر در سراسر جهان مبتلا به این بیماری هستند. متأسفانه هر سال دهها هزار نفر در جهان برآمار این بیماری افزوده می شود. | درگذشت ابرج میرزا، شاعر نامدار ایران؛ ۱۳۳۲ دی؛ ۲۰ |
| ۲۴ بهمن؛ ۱۳۶۰ | کریم پور شیاری، روزنامه نگار مستقی، بست عمال محمد رضا شاه به آتش کشیده شد | شهادت امام اول شیعیان جهان؛ ۱۳۵۷ بهمن؛ |
| ۲۵ بهمن؛ ۱۳۶۰ | ۲۴ اسفند؛ ۱۳۵۸ | ۱۳۵۸ دی؛ ۳۰ |
| ۲۶ بهمن؛ ۱۳۶۰ | برگزاری انتخابات درجه اول مجلس شورا پس از اقلاب؛ ۱۳۷۱ اسفند؛ ۱۳۳۴ | انتخاب اولین رئیس جمهوری پس از انقلاب؛ ۱۳۳۴ بهمن؛ ۲ |
| ۲۷ بهمن؛ ۱۳۶۰ | ۲۵ اسفند؛ ۱۳۷۱ | درگذشت علی اکبر دهخدا، ادیب بزرگ و مولف لغت نامه دهخدا؛ ۱۳۴۹ بهمن؛ ۹ |
| ۲۸ بهمن؛ ۱۳۶۰ | ترور محمد حسین تقی، نایانده شورای ایلمی مقاومت در ایتالیا، توسط تروریستهای اعزامی رژیم ایران؛ ۱۳۳۹ اسفند؛ ۱۰ | روز جهانی کمک به جنامیان؛ ۱۳۴۹ بهمن؛ ۱۰ |

بنده مردودیت آزمون... از صفحه ۱۰

* انقلاب ۲۲ بهمن یکی از اینادش کسری شوراهای مردمی و رواج فرهنگ دموکراسی بود مردم در طول سالیان، زیر تبع استبداد و سانسور ملائمه و کمتر در میدان دموکراسی به باوری اندیشه سیاسی خود پرداخته بودند. حکومت ملایان با تکیه بر چنین تفیصه‌ای تکیه بر عوام زد کی را به جای بسط و توسعه سیاسی در پیش گرفت و آخوندی بنام رقتگانی و حالا خانمی با تکیه بر میراث شوم گذشت که عینی بر عوامگرایی بود، مردم گرامی را به ابتداء می‌کشاند و با تکیه و تاکید بر قانون اساسی خبرگان! به خیانت تاریخی آزموده شده‌ای دست می‌یازند. غافل از اینکه نسل کنونی بدور از همه توههمها و عوام‌گرایی‌ها ماهیت خدششی - خدشورایی حکومت منصور جمهوری ملایان را خوب شناخته و با عدم شرکت در انتخابات خدختیشان روند، سرتکونی همه جانبه آنها را سرعت خواهد بخشید تا زودتر به صفت سایر عوام‌گرایان وهم کشان خون بپوشند.

پیلوی خیوشر مطلق را در وجود شخص شاه مدنیسم نوع شاهی». او هیچ وقت توضیح واضح و روشنی را در مقابل نفس چنین مدنیسمی به اجتماع عرضه نمیکرد و همه فعالیتش فقط در «نفسی» خلاصه می‌شد کما اینکه همین طرز فکر بعد از پیروزی نیز در نفسی و حذف همه دگراندیشان خلاصه شد. مقوله فکری خیستی در ماهیت، زوایای نوعی عقب ماندگی سیاسی - ایدئولوژیک را ترسیم می‌کرد ولی از آنجا که جامعه روند اتفاقی داشت و بخش عظیم ملت و جوانان از مدنیسم ارتجاعی و آغشته به استبداد شاهان خسته شده بودند به مبارزات مشکل و جانفسای چریکهای فدایی و مجاهدو در اختیار بیرون از خیستی قرار گرفت.

روند انقلاب ۲۲ بهمن نهایتاً در محلوده ای تنگ به بن بست رسید و ملایان به رهبری خیستی و اعوان و انصار خارجی و داخلی آن دیوارهای چنین محلوده ای را هر چه آزادی کش تر بنا کردند. روند چنین تفکری از نحوه اعتراض روحانیت در قبل و بعد از انقلاب تبلور یافت. جوهره اعتراضی شخص خیستی و باندهای خان و فرست طلب وابسته به او چنین شروع شد که ابتدا با رد و لعن و نفرین مظاهر تمدن شاهی وارد صحنه شدند و امثال کاشانی و شیخ نشان اللہ نوری الگوهای تاریخی چنین جریان وابسکرایی قرار گرفتند. بی جهت نبود که خیستی او را شهید لقب داد و کاشانی را در مقابل مصدق ستایش می‌بخواهد کرد. این ماجرا باعث شد که حقوق بشر مورد نظر کارتر علیه ژاندارم منطقه و به اصطلاح سگ زنجیریشان محمد رضاشاه نسود. خیستی تاریخچه مبارزاتیش در این جمله خلاصه می‌شد: «سنت ملایان در مقابل

شوابی بود که عمه جریانات ترقیخواه توسط مدرنیسم! شاه یا اعدام و یا محبوس بودند. خمینی بدین ترتیب سوار موج انقلابی جامعه شد. حاصل چنین موج سواری بر می‌گشت به:

۱- در صحنه نماندن و نبودن اغلب آزادیخواهان.

۲- دوام جنگ سرد بین قطب‌های عمه آن روز جهان.

۳- سیاست‌های ضد اندیشه آزاد سلسله پهلوی و در راس آن محمدرضا شاه.

به همین دلایل بود که انقلابیون واقعی و افراد مازاری چون صرخون طلاقانی به ادامه قیام و انقلاب و هرچه مسلح شدن توده‌ها تاکید داشتند ولی خمینی درست بر عکس آنرا بعد از رسانده شدنش به ایران اعمال می‌کرد. بدینسان انقلاب ۲۲ بهمن در یک نظر، کسی زودرس به انجام رسید و «آخوند نماینده خدا» در نام ولایت فقیه جایگزین «شاه سایه خدا» در نام اعلیحضرت خدایگان شد. بی دلیل نبود که خمینی در همین راستا بخاطر شم ضدانقلابی اش و ترس از نفوذ کلام و مردمی طلاقانی نهایتاً تن به ماده‌ای با عنوان «شوراهای اسلامی» در قانون اساسیش داد.

مرحوم طلاقانی در ۳۱ فروردین ۵۸ بطور مفصل درباره شوراهای و نقش مردمی آن در سیاست و اداره کشور سخن گفت. وی در قسمتی از صحبت‌هایش گفت: من یک راه به نظرم می‌رسید... همین مسئله‌ای است که علمای و رهبان ملی ما، هفتاد و اندی سال پیش در قانون اساسی آورده اند «انجمنهای ایالتی و ولایتی». و در آخرین نقطه آتشین اش در ۱۷ شهریور سال ۵۸ در بهشت زهرا گفت: «استبداد زیر پرده دین را کنار بگذارد و باید بـا مردم، بادردمـنـهـا، بـا رنج کشیدهـهـا، با محرومـهـا هـمـدـاـ بشـمـ».

اساسی خبرگان! به خیانت تاریخی آزموده شده ای دست می بازند. غافل از اینکه نسل کنونی بدور از همه توهمند و عوامگریشها مساحتی ضدبشری- ضدشورایی حکومت منفور جمهوری ملایان را خوب شناخته و با عدم شرکت در انتخابات ضدحقیقیان روند سرنگونی همه جانبه آنها را سرعت خواهند پخشید تا زودتر به صفت سایر عوامگریشان و هم کیشان خود بپیوندند.

تیغ استبداد و سانسور مانده و کمتر در میدان دموکراسی به باروری اندیشه سیاسی خود پرداخته بودند. حکومت ملایان با تکیه بر چنین تئیصه ای تکیه بر عوام زدگی را به جای بسط و توسعه سیاسی در پیش گرفت و آخوندی بنام رفستجانی و حالا خاتمی با تکیه بر میراث شوم گذشته که مبتنی بر عوامگرایی بود، مردم گرایی را به ابتذال می کشاند و با تکیه و تاکید بر قانون بعد از پسوند اسلامی در شوراهای که در سال ۶۱ رسمیت یافت. در سال ۷۵ نیز اعتقاد و التزام به قانون اساسی و ولایت فقیه نیز بدان افزوده شد، بطوریکه ماده ۲۶ تصویب می کند: اعتقاد و التزام عملی به اسلام و ولایت فقیه.

انقلاب ۲۲ بهمن یکی از ابعادش گسترش شوراهای مردمی و رواج فرهنگ دموکراسی بود مردم در طول سالیان، زیر

دوران کنونی - شوراهای

کتابخانه ملی ایران که قبل از ریاست جمهوری در آنجا پرسه می زد در چهارچوب نظم نوین جهانی خوب گرفته است. دست و پازدن وی در میان انبوه بحرانهای لایحل باقیمانده از همکاران سابقش از یکسو و بحرانهای جدیدالورود ناشی از حادثه دوم خداداد جامعه را به شکل حادتری به سمت انفجار سوق میدهد. شعارهای دانشجویان و مردم ایران که به هر بهانه ای دورهم جمع شده و فریاد مرگ بر استبداد - زندگانی و آزادی- زندانی سیاسی آزاد باید گردد و یا آزادی اندیشه همیشه، همیشه و... سو می دهنده، کلمات و شعارهایی نیستند که بتوان آنها را در تقابل جنسای حافظان رژیم خلاصه کرد. کلمات و شعارهایی که خاتمی و دیگر عناصر دستگاه ولایت تاب تحمل آن را نداشته و ندارند.

“گاری سیک” طرفدار استحاله رژیم در مقابل این سؤال که آینده ایران را مثلا یکی دوسران آینده را چگونه می بینید؟ می گوید: «کار من پیش بینی نیست و نی توانم آینده ایران را خوب پیش بینی کنم من بارها و بارها در مورد وقایع ایران غافلگیر شده ام همینطور خود ایرانی ها. هیچ کس نمی داند رفت ولی فعالیت مداوم و تعطیل ناپذیر مبارزان همه جا ادامه یافت ولی در ۲۲ بهمن در یک دور باطل بازهم قربانی شد. هر دو دوره حاصل حاکمیت فرد و ایدئولوژی انحصارگرایانه در قالب لیبرالیسم شاهی و اسلام ارجاعی بوده و هست. استعمار حاصل خیاتهای دو دوره یادشده را در شرایط کنونی جمعبندی کرده و بازهم در شکل نوین و این دفعه به بهانه مدراسیون! خاتمی خیانت اش را ادامه می دهد.

جهان آرام، آرام وارد عصر جغرافیای اطلاعاتی می شود و در آستانه فرو رفتن به درون طوفانی از جنگهای محلی قرار دارد. «میزان عظیمی از تلاش خلاق بشر صرف گسترش برده سلاح، افزایش قدرت آتش و شتاب بخشنده به سرعت تسليحات و ارتشها شد است»(۷). در نظم نوین جهانی که بقایت از معنای صحیح و محتوایی آن، دورمان کرده اند. امپریالیسم آن را بصورت چماقی علیه انقلابیگری و تغییرات اساسی بر اساس عدالت و استقلال در کشورهای دیکتاتوری بلند کرده است. ایله گفتگوی تمدنیهای محمد خاتمی و اقدام به اجرای قانون شوراهای برای رقابت با پاند غالب و عرضه به از ما بهتران دوران پر تلاطمی را می گنراند. شاید گفتگوی تمدنها را خاتم رژیم در در دوره ای هستیم که حاصل تجربیات، کمبودها و نقایص انقلاب مشروطه و ۲۲ بهمن را باید مسروک کنیم و از افتادن در دور باطل بپرهیزیم. احتیاج به یک جمعبندی از اعمال و روشهای مبارزاتی همه جریانات روشنگری از انقلاب ۲۲ بهمن تا وقوع انقلاب ۲۲ بهمن را داریم. تاریخ پر تلاطم نهضتهای گوناگون کشورمان در حافظه تاریخی- مبارزاتی ملت ما مانده وازنکات مشبت و مردمی آنها باید درس گرفت و در شرایط کنونی آن را به کار بست. ما در کنیوال چنین رخداد عظیم اجتماعی و روشنگری به نتایج مشبت و سازنده ای می ریسم که از دور باطل آخوندی- شاهی و همه صفات و جوهرهای سیاسی- ایدئولوژیکی آنها بپرهیزیم و در مسیر سرنگونی تمام عیار این دو زوج آزادی کش بسیج شویم. در مقابل، نیروها و جریاناتی که صمیمانه علیه تمامیت رژیم مبارزه کرده و مدعی به ظمر و سیدن شعارهای بر جای مانده از دو انقلاب مشروطه و ۲۲ بهمن هستند موضع حمایتی بگیریم و از بقیه نیز بمیزان نزدیکیشان به بازد یا جناحی از رژیم قاطعانه فاصله بگیریم.

اندیشه های سیاسی در حال شکل گیری دوران مشروطه و بدنبال آن ۲۲ بهمن به تاریخ

دیگری را در میز مبارزه اش بر علیه کلیت رژیم جمهوری اسلامی ایران در چشم انداز ندارد. از محتوا خارج شدن اصل شوراها و «نه گفتن» به هر نوع انتخاباتی در چهارچوب ولایت فقیه نیز در همین راستا معنی پیدا میکند و مردم با تحریم چنین انتخاباتی بادکنک توهمند خاتم رژیم را منفجر خواهند کرد.

*پاورقی:

- ۱- مصاحبه طبرزی از باند خط امامی خاتمی با رادیو فرانسه ۴ شهریور.
- ۲- روزنامه ابرار ۱۵ دی.
- ۳- روزنامه ابرار ۱۵ دی.
- ۴- رادیو رژیم به نقل از خاتمی.
- ۵- لاری وزیرکشور خاتمی، رسانه های رژیم ۲۸ آذر.
- ۶- تاج زاده معاون وزیرکشور خاتمی آذر ۷۷.
- ۷- جنگ و ضد جنگ اثر تأثیر.
- ۸- رادیو امریکا ۱۲ دی ۷۷.

که حقوق بشر از طریق یک نظام قانونی مورد حراست قرار گیرد تا انسان ناچار نشود که به عنوان آخرین چاره به شورش علیه ظلم و سرکوب متولّ شود». اکنون جامعه ما از هر لحظه در مدار آخرین چاره و آخرین راه حل مبارزه علیه دشیمان حاکم است تمام نظام ساختاری و طبقاتی جامعه بهم خورده و طبقه متوسط هم به لحاظ اقتصادی در حال

اصحاح است و در صدد نجات خود از غرق در ارجاع حاکم می باشد. طبقه متوسط همیشه در پیشبرده خیزشها و انقلابات اجتماعی جامعه ما بهمراه سایر طبقات نقش مهمی ایفا کرده است که الان هم در تدارک عملی شدن آخرین راه حل مبارزه علیه دستگاه سرکوب و جنایت بسر می برد. از طرف دیگر جامعه ما حداقل بطور بالقوه گسترش را از ارجاع مذهبی و دخالت دین در دولت نشان می دهد و به جای آن می خواهد خواستهای آزادی و عدالت اجتماعی و تغییرات در ساختار فرهنگی حاکم را جایگزین سازد.

برای نیل به چنین خواسته هایی قطعاً خلق ما چاره ای جز شورش قهرآمیز علیه ظلم و سرکوب و انقلاب اجتماعی تمام عیار راه حل

که چه پیش خواهد آمد باید بگوییم برخی مسائل نگران کننده است...»(۸)

رژیم الان در مرحله ایست که حفظ کلیتش اهمیت حیاتی دارد میزان و کمیت آرای شوراها برایش در درجه دوم اهمیت قرار می گیرد. همینطور قیمت بنزین و تبعات آن، یا از مرز ۸۰۰ تومان گلشتن قیمت یک دلار. رژیم فقط در نظر اینست که با گرفتن پول اضافی از مردم به هر بهایی مدتی حیات سیاسی - اقتصادی خود را دوام بخشد. روند اوضاع در شرایط کنونی طوری است که همه باندها و طیفه های حکومت ولایت فقیه در وله اول (البته به مصلحت روز) با ششیر قانون و در مرحله دوم با مشیش آتشین همیگر را از صحنه خارج می سازند (نوونه ناز جمعه اصفهان در ۲۶ دی). این روزها تحولات در جهان، بویژه داخل کشورمان آنقدر شتاب گرفته که لزوم جمععبدی روند تحولات جامعه مان گاهها به کمتر از یک هفته هم می رسد.

در بخشی از اعلامیه جهانی حقوق بشر که پنجاهمین سالگرد آن را پشت سر می گذاریم آمده است «این یک امر اساسی است

BahareIran@mailexcite.com

آدرس پست الکترونیکی بهار ایران:



فرم اشتراک بهار ایران

Naam:

این جانب

Adres:

مايل به اشتراك بهار ايران از شماره هست.

.....

تعداد از هر شماره

بقیه خاطرات از صفحه ۱۹

پایان رسیده بود. من به آنها سلام کردم و گفتم: مگر اینها کسی را ندارند که اینطور غریب به خاک سپرده می‌شوند؟ قیرکنی که جوانتر بود گفت: "اینها اعدامی هستند. فامیل‌هایشان خیر ندارند." پرسیدم چند نفر بودند؟ قیرکن جوان گفت: "چهار نفر." قیرکن پیر گفت: "در حقیقت دو زن بودند." من آن دو قبر کوچک را نشان دادم و پرسیدم، پس این دو قبر کوچک چیست؟ پیرمرد به من گفت: "تو هم دنبال دردرس می‌گردی. فاتحه بخوان و برو. بگذار به کارمان برسیم. خدا همه را از شر شیطان نجات دهد." مرد جوان نگاهی به من و آن خانم، که در حال اشک ریختن و ناسزا گویی به خمینی بود، کرد و گفت: "این دو زن حامله بوده‌اند. چون امام خمینی گفته است که دو نفس را نباید در یک قبر دفن کرد، به همین دلیل بعد از اعدام، پاسدارها شکم آنها را پاره کرده و بچه‌هایشان را بیرون آورده‌اند و به ما دستور داده‌اند که جدا از مادرانشان به خاک سپرده شوند. آخر او ولی فقیه و مرجع تقلید است و هرچه بگوید، حکم اسلام است و باید اجرا شود. آن خانم پرسید: "خمینی مرجع تقلید شما هم هست؟" پیر مرد گفت: "انسان وقتی عقل و شعور داشته باشد، احتیاج به مرجع تقلید ندارد. می‌می‌مون به دلیل نداشتن شعور تقلید می‌کند"

بقیه نمایش نتکین... از صفحه ۲۱

۴- البته این خیانت به احتمالی باعث حداقل دودستگی در خط مشی مبارزه بر علیه نظامی‌گرایان ترکیه خواهد شد.

۵- پروسه تغییر خواسته کشور مستقل کرد به درخواست خود مختاری در چهارچوب ترکیه، که اوجالان نیز در این اواخر اشارات تلویحی به آن داشت عقیم می‌ماند البته این تغییر پروسه جدا از تغییر ساختار دیکتاتوری ترکیه نمی‌تواند باشد....

به هر حال حاصل فعالیت اجرای این نمایشنامه استعماری- امپریالیستی کاشتن بادی است که طوفان درو خواهد کرد.

*پاورقی:

(۱) رادیو بی‌بی‌سی ۲۹ بهمن به نقل از روزنامه گاردین

(۲) رادیو اسرائیل ۳۰ بهمن

(۳) رسانه‌ها ۲۸ بهمن

(۴) رادیو بی‌بی‌سی ۲۸ بهمن

(۵) رادیو اسرائیل ۲۹ بهمن

(۶) رادیو اسرائیل به نقل از روزنامه جهان اسلام دوم اسفند

(۷) نشریه ۴۲۹ مجاهد به نقل از خبرگزاری رژیم لازم به یادآوریست که در نیمه شب ۲۷ بهمن «اجویت» نخست وزیر ترکیه خبر انتقال اوجالان به ترکیه را اعلام کرد

(۸) گزارشگر رادیو امریکا در ۳۰ بهمن که خود شاهد ظاهرات در آتن بود

(۹) رادیو فرانسه ۳۰ بهمن



آدرس:

بهای اشتراک سالانه (با احتساب هزینه پست)

G.I.V.N.
P.B. 32406
2503 AC Den Haag
Nederland

اروپا معادل ۲۰ فلورن
آمریکا و کانادا معادل ۱۵ دلار آمریکا
خواهشمندیم بهای اشتراک را مستقیماً به آدرس بهار ایران ارسال نمایید.

Gandhi

Gandhi riep mensen om hun werk neer te leggen. We noemen dat een werkstaking of kortweg staking. De bedoeling was dat daardoor de samenleving in verwarring zou raken. Maar tot zijn verdriet ondervond Gandhi keer op keer dat deze verwarring tot geweld leidde, Bij de Britten, maar ook bij zijn eigen mensen.

Bij schiet partijen vielen honderden doden. Ook riep hij zijn mensen op alle medewerking aan de Britten te stoppen. Dat betekende: geen belasting betalen, geen scholen bezoeken, geen kleren of andere goederen uit Engeland kopen, enz.

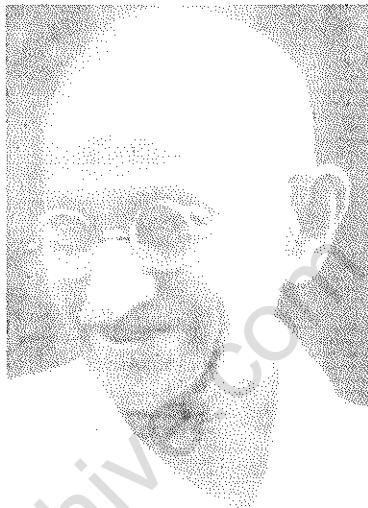
In 1922 werd Gandhi ervan beschuldigd dat hij zijn landgenoten oproep tot opstand. Hij kwam voor de een Britse rechter, hij zei tegen Gandhi dat hij groot respect voor hem had, maar dat hij volgens de wet schuldig was. Hij was veroordeeld tot zes jaar gevangenisstraf maar binnen twee jaar werd hij vrijgelaten, omdat hij ernstig ziek was.

Een andere manier van geweldloos verzet was voor Gandhi de hongerstaking, het vasten. Hij weigerde dan alle voedsel en dronk alleen water.

Hij wilde daarmee bereiken dat ook zijn volgelingen geen geweld zouden gebruiken en ook dat Hindoes en Moslims in zijn land in vrede met elkaar zouden leven. Ook vastte hij om het lot van de paria's te verbeteren.

Dit waren de verschoppelingen van India, zij woonden in de allerarmste wijken en moesten het vuilste werk doen, zoals straten en wc's schoonmaken. Iedereen keek op hen neer, niemand wilde hen zelfs aanraken en soms was hun schaduw al onrein. Om zijn landgenoten een voorbeeld te geven ging Gandhi tussen de paria's wonen.

Hij rekende hen tot zijn vrienden, hij vastte voor hen en hij wilde de situatie voor hen veranderen. Overal maakte Gandhi vrienden, ook in Engeland. In 1931 bezocht hij dat land om er met de Britse regering te onderhandelen over vrijheid van zijn volk maar die wilden er niets



van weten. Hij woonde daar niet in een duur hotel, maar onder de armste mensen.

Na de tweede wereld oorlog kreeg Engeland een nieuwe regering. Die wilde wel over zelfbestuur voor India praten maar nu was er een andere probleem, de moslims en hun leiders wilden een verdeling in het land. Er moest een hindoeïstisch India en een Islamitisch Pakistan komen.

De Britten wisten niet wat ze moesten doen, het bestuur overdragen aan één nieuwe staat of aan twee. De splitsing van India had een enorme volksverhuizing tot gevolg. Vijftien miljoen mensen waren daarbij betrokken. Hindoese vluchtten uit Pakistan naar India. Moslims vluchtten uit India naar Pakistan. Iedereen was radeloos en doodsbang.

Opnieuw vonden er moordpartijen plaats, ook braken er besmettelijke ziekten uit. Tevergeefs smeekte de oude Gandhi zijn landgenoten op te houden met geweld. Nu moslims en Hindoese elkaar haatten, wilde hij een vriend van beiden zijn. Veel Hindoese begrepen dat niet.

Op 30 januari 1948 bezocht Gandhi een gebedsdienst. Daar werd een man die zijn hele leven geweldloosheid had gepredikt, door een Hindoe doodgeschoten.

Wat Gandhi wilde bereiken is hem niet gelukt.

((Sara))

BAHARE IRAN

Nr: 15 Winter 1999



Genootschap van Iraanse Vluchtelingen- Nederland

G.I.V.N.

P.B. 32406

2503 AC Den Haag

Nederland هولند

آدرس بهار ایران: